



تفسیر انجیل متی  
برای مشاوران مسیحی

The Christian Counselors Commentary  
The Gospel of  
Matthew

نویسنده: شاهرخ صفوی  
ویرایش: فرح صفوی  
مراجع: اسپرجن، جی آدامز، متیوهنری

## پیش نویس نویسنده

در خصوص انجیل متی، تفسیر های مختلفی (اسپرجن، جی آدامز، متیوهنری) وجود دارد. ما مشاوران مسیحی که امروزه به وجود روح القدس، و منظوری که در زندگی فرزندان خدا دارد آشنا هستیم، تفسیر عملی این آیات را بکار می بریم.

کتابی که در دست دارید، آنچه مربوط به یاری فرزندان خدا می باشد را از طریق تفسیر انجیل (متی) برای مسیحیان فارسی زبان فراهم ساخته ایم.  
امیدواریم این کتاب باعث برکت شما بشود و پادشاهی خدا همانگونه که خود وعده داده (ارمیا ۴۹) در دل همه فارسی زبانان جهان جای بگیرد. آمين

شاهرخ صفوی

## فصل بیست و هفتم

### متی ۲۷ (هزاره)

۱: صبح زود، همه سران کاهنان و مشایخ گرد آمده،  
با هم شور کردند که عیسی را بکشند.

۲: پس او را دست بسته برداشت و به پیلاتس والی تحویل دادند.

۳. چون یهودا، تسلیم کننده او، دید که عیسی را محکوم کرده اند،  
از کرده خود پشیمان شد

و سی سکه نقره را به سران کاهنان و مشایخ بازگردانید و گفت:

۴: «گناه کردم و باعث ریختن خون بی گناهی شدم.»

اما آنان پاسخ دادند: «مارا چه؟ خود دانی!»

۵: آنگاه یهودا سکه ها را در معبد بر زمین ریخت و بیرون رفته،  
خود را حلق آویز کرد.

۶: سران کاهنان سکه ها را از زمین جمع کرده، گفتند:  
«ریختن این سکه ها در خزانه معبد جایز نیست، زیرا خونبهاست.»

۷: پس از مشورت، با آن پول مزرعه کوزه گر را خریدند  
تا آن را گورستان غربیان سازند.

۸: از این رو آن مکان تا به امروز به 'مزرعه خون' معروف است.

۹: بدین سان، پیشگویی ارمیای نبی به حقیقت پیوست که گفته بود:

«آنان سی سکه نقره را برداشتند،  
یعنی قیمتی را که بنی اسرائیل بر او نهادند،

۱۰: و آن را به جهت مزرعه کوزه گر دادند،  
چنانکه خداوند به من امر فرموده بود».

۱. صبح زود، همه سران کاهنان و مشایخ گرد آمده، با هم شور کردند که  
عیسی را بکشند.

۲. پس او را دست بسته برداشت و به پیلاتس والی تحویل دادند.

در فصل قبل ... عیسی را در دست کاهنان و مشایخ دیدیم که به مرگ محکوم شده بود و حال  
با هم شور کردند که عیسی را بکشند. اما ... رومیان بر اورشلیم حاکم بودند ... و یهودیان نمی  
توانستند کسی را اعدام کنند...! به این خاطر صبح سحر ... دوباره با هم شور کردند ببینند

چکار می توانند بکنند....! پس او را دست بسته برداشت و به پیلاتس والی تحويل دادند. باید در نظر داشت ... یهودیان از پیلاتس والی متصرف بودند چون نه تنها خراجگیر آنها بود ... بلکه خصومتی نسبت به آنها نیز داشت. با این حال ... به خاطر خصومتی که ... خودشان ... نسبت به عیسی داشتند ... از او تقاضای اعدام نمودند. می گویند ... دوستان را نزدیک خودت نگه دار و دشمنان را نزدیکتر ... ! بله خدا سیاسی، اقتصادی ... همه چیز شده ... جز روحانیت. ابزار دست شیطان.

۳. چون یهودا، تسلیم کننده او، دید که عیسی را محکوم کرده اند، از کرده خود پشیمان شد و سی سکه نقره را به سران کاهنان و مشایخ بازگردانید و گفت:  
 ۴: «**گناه کرم و باعث ریختن خون بی گناهی شدم.**» اما آنان پاسخ دادند: «**ما را چه؟ خود دانی!**»

تاسف نسبت به اشتباه انجام شده سنگین است ... چه رسد به کشن برء خدا. آنکه روح القدس را کفر می شمارد ... و دست بر دار نیست ... دستخوش شیطان خواهد گردید. دو روح بیش نیست.

می گوید ... **گناه کرم و باعث ریختن خون بی گناهی شدم ... اما آنان پاسخ دادند ... ما را چه؟ خود دانی!** این هم از مذهب. از ما می پرسند مذهب شما چیست ... می گوئیم مسیحی. در صورتی که باید بگوئیم ... **ما مذهبی نیستیم ... بی رو عیسی مسیح هستیم.** آنکه مسیحی را مذهب می شمارد ... مطابق مذهب نیز زندگی خواهد کرد. هیچ انگیزه درونی را بخود راه نمی دهد. روح القدس را دریافت کرده ... ولی محزون است ... "و روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختوم شده اید، محزون مسازید" (افسیان ۴: ۲۰ قیم). در جای دیگر می گوید، "**نبوتها را خوار مشمارید**" (اول تسالونیکیان ۵: ۲۰ هزاره). منظور از **نبوتها** چیست ...؟ آنچه روح القدس در هر لحظه برای ما مکشوف می کند ... **نبوت** ماست. **نبازی** که روح القدس در ما فاش نموده ... **نبوت** ماست. اگر با او آشنا شده باشیم ... متوجه می شویم که او همه چیز را تحظی نظر دارد ... "**همه چیز را بیازماید؛ به آنچه نیکوست، محکم بچسید**" (اول تسالونیکیان ۵: ۲۱ هزاره). همه مردم دنیا با روح القدس به دنیا می آیند ... اما در همه محزون است. وقتی ایمان می آوریم ... روح القدس آزاد می شود و تشنۀ کلامش می گردد. اما ... آزادی روح القدس به آن معنی نیست ... **که همه کار در دست اوست.** به ما گفته شده ... بخواهیم، بکوییم، و بجوئیم ... تا آنکه بدست آوریم. پایداری ما را لازم دارد ... "**اما بگذارید پایداری کار خود را به کمال رساند تا بالغ و کامل شوید و چیزی کم نداشته باشید**" (یعقوب ۱: ۴ هزاره). پایداری زحمتی است که همه روزانه مجبور به آن هستیم. روزانه با مشکلات بسر می بریم و پایداری می کنیم ... نتیجتاً چه بهتر که به روح القدس گوش بدھیم .... که **همه چیز را می آزماید** .... و آنچه نیکوست را محکم می چسند. تمام صحبت های عیسی نوریست که راه را برای فرزندان خدا آشکار می نماید ... "کلام تو برای پاهای من چراغ، و برای راه من نور است" (مزمور ۱۱۹: ۱۰۵ هزاره). کلامش برای یهودا بی فایده بود. او نتیجه همه چیز را در خواست خود می

دانست. دنبال عیسی بود ... بخاطر منافع خودش. بقیه شاگردان منفعت را در شناخت خدا می دیدند ... اما یهودا ... نه! فرعون مصر نیز مخالف موسی بود ... و نتیجه آن را نیز دیدیم. صحبت از عبرتیست که کلام خدا در زندگی هر شخص دارد. ما که روح القدس را دریافت کرده ایم نیز ... باید از کلام عبرت بگیریم. این جلالی است که روح القدس در ما بوجود می آورد. برکت در اجرای کلام است ... نه در شناخت کلام. ما کلام را می خوانیم و شاید چند فصل را در یک نشت بخوانیم ... ولی آیا می دانیم که هر یک از این آیات که خوانده ایم ... تجربه خاص خود را برای ما دارد؟ تجربه ... زمانی آغاز می گردد که ... نیازی برای ما افشا شده ... آیات خاصی آزمایش شده ... و دو یا سه نفر برداشت را تایید نمایند. پس دو شرط همراه آیمان آوردن برای ما هست ... (۱) نیاز های خود را از طریق کلام خدا برآورده کنیم ... (۲) و در این راه تابیید کلیسا داشته باشیم. از طرفی نیز می خوانیم "اگر بگوییم که بی گناه هستیم، خود را فریب می دهیم و از حقیقت دور هستیم. اما اگر ما به گناهان خود اعتراف نماییم، می توانیم به او اعتماد کنیم؛ زیرا او به حق عمل می کند. او گناهان ما را می آمرزد و ما را از همه خطاها یمان پاک می سازد" (اول یوحنای ۸: ۹ و ۱: ۹ مژده). می گوید می آمرزد و پاک می سازد. آمرزش از گناه ... در توبه (شناخت گناه انجام شده و نیاز به کمک خدا) انجام می گردد ... و پاک سازی ... در هضم کلام خدا. هضم کلام ... نیاز به راهنمای صحیح دارد. هر فرزند خدا ... برداشت خود را از کلام بدست می آورد... چه برداشت صحیح بوده باشد یا نه. این کلیسا است که محدودیت برداشت از کلام را در دست دارد. خدمین کلیسا باید زمینه را برای روح القدس فراهم سازند (ضمیمه ۱). برداشت از آیات باید در محدوده تنگ و باریک کلام (۱) و در راه حل مسئله موجود بوده باشد. هر یک از این مسائل هضم کلام مریوط به خود را نیاز دارد ... "کلمه انسان شد و در میان ما ساکن گردید. ما شکوه و جلاش را دیدیم، شکوه و جلالی شایسته فرزند یگانه پدر و پر از فیض و راستی" (یوحنای ۱: ۱۴ مژده). شناخت ما از کلام خدا توسط روح القدس انجام می شود ... و شکوه و جلاش از طریق ... هضم کلام صورت می گیرد. اصل موضوع ... شناخت نیست ... اصل موضوع ... کلمه انسان شد است. کلیسا خدمتش در همین زمینه است. موعظه (شناخت) تنها کافی نیست. تعلیم باید ... همراه ترتیب نیز باشد. طریق اجرای کلام خدا را ... در خود کلام مشاهده می کنیم. فرزند خدا خودش آیات را تفسیر می کند و همچنین می نویسد چه ربطی به او دارد ... و اگر ندارد چیست که به او ربط دارد. ترتیب ... از شناخت نیازی که روح القدس در ما ... فاش نموده ... و آیاتی که مریوط به آن است ... مورد آزمایش روح القدس در ما قرار بگیرد. همان گونه که کلام باعث شد ایمان آوریم ... همان گونه .... کلام باعث خدآگانگی ما می شود.

اما آنان پاسخ دادند: «ما را چه؟ خود دانی!». خادمین کلیسای امروز بعکس می گویند به ما خیلی ربط دارد. بدون خدمت ما ... امکان پذیر نخواهد بود.

## ۵: آنگاه یهودا سکه ها را در معبد بر زمین ریخت و بیرون رفته، خود را حلق آویز کرد.

خود را حلق آویز کرد ... محکومیت خدا یعنی ... خدا رویش را بر می گرداند ... و شیطان جایش را می گیرد (جزای شیطان). فرق میان زندگی خدگانه و زندگی دنیوی ... بهشت است ... یا جهنم. آنچه از روح القدس دریافت می کنیم .... بهشتی است. خصوصیات عیسی مسیح بهشتی است. نیاز ما فرزندان خدا ... بدست آوردن خصوصیات عیسی مسیح است. خصوصیات اوست که شفای حیات ما می گردد. بر عکس .... خصوصیات شیطان است که موجب .... خود را حلق آویز کرد می گردد.

ما همه بخاطر ناسلامتی هایمان می میریم. هیچکس از سلامتی نیرده. این ناسلامتی ها نیز نهایتاً ... باعث مرگ ما می شوند. خدا می خواهد جانی که به ما داده را حفظ نماید. به این خاطر ما را پاکسازی می کند... یعنی آنچه از شیطان مانده (و باعث مرگ می شود) را بیرون می کند ... و جایش را با خودش (سلامتی) ... پر می نماید.

نجات عیسی ... امکان آن را می دهد ... که بجای تاسف و بد بختی ... امید و ایمان و جلال خدا را دریافت نمائیم. توبه ... راه برگشت به خداست (زندگی بهشتی). توبه برداشت نادرستی را پیدا کرده. می گویند توبه خوب نیست. از قضاوت خدا می ترسند! در صورتی که بر عکس ... توبه برکت خداست. خدا می گوید ... "اگر بگوییم که بی گناه هستیم، خود را فریب می دهیم و از حقیقت دور هستیم. اما اگر ما به گناهان خود اعتراف نماییم، می توانیم به او اعتماد کنیم؛ زیرا او به حق عمل می کند. او گناهان ما را می آمرزد و ما را از همه خطاهایمان پاک می سازد" (اول یوحنا ۱: ۸ و ۹ مژده). گناه چیست ...؟ آنچه خلاف خواست خدا است ... گناه است. دو روح ... حاکم بر حیات ماست... روح خدا ... یا ... روح شیطان. خواست خدا را ... روح خدا انجام می رساند. اما سد معبری جلوی راه او را گرفته ... شیطان ... "همه گناه کرده اند و از جلال خدا محرومند" (رومیان ۳: ۲۳ مژده). سلامتی (طول عمر) ما در جلال آوردن به خداست. بی جهت نیست که می گوید ... "ای جان من، خداوند را متبارک بخوان و هیچ یک از همه احسانهایش را فراموش مکن!" (مزمور ۱۰۳: ۲ هزاره). اگر از شما بپرسند کدام را می خواهید ... حلق آویز یا همه احسانهایش .. حتماً احسانها را ترجیح خواهید داد. احسانها نیز از طریق توبه انجام می گیرند. آیاتی که مربوط به موضوع می باشد را آزمایش می کنیم ... تا جواب را از خدا بگیریم. اما این کاری نیست که خودمان به درستی بتوانیم انجام رسانیم ... سد معبری جلوی راه را گرفته ... شیطان. در نتیجه.... باید از کلیسا خواست ما را در آزمایش آیات کلام ... هدایت کنند ... تا جواب را از خدا بگیریم.

جواب را خدا می دهد ... اما نه آنگونه که ... تصور ... می کنیم. ما راجع به آنچه می خوانیم ... تصویر می کنیم چیست که داریم می خوانیم. باید بتوانیم تصویر کنیم ... تا بفهمیم چیست که داریم می خوانیم. این برداشت اولیه از کلام خدا را در جلسات مطالعه کلام کلیسا (bible study) ... بدست می آوریم. هر یک از اعضاء برداشت (تصویر) خود را راجع به آیات ارائه می دهند. اما ... تجربه هر یک از این آیات ... یا تصویر آن ... فرق دارد. تجربه ... زمانی است که ...

به جریان کار روح القدس در خودمان می پردازیم. زمانی است که می گوئیم ... ای جان من، **خداوند را متبارک بخوان**. جان ما از جسم و روح ساخته شده. روزانه مجبوریم به نیاز های جسمانی خود پردازیم. در نتیجه وقت و امکان آنکه به نیاز های روحانی خود پردازیم را ... نداریم. یک شنبه ها به کلیسا می رویم ... و همین خوراک روحانی ماست. یهودیان زمان عیسی نیز ... به کنیسه های خود می رفتند ... و همین خوراک روحانی آنها بود. یادمان باشد که اینها با عیسی چکار کردند ...؟ "چه رأى مى دهيد؟" همه فریاد زندن: «باید بمیرد!» (متی ۲۶: ۶۶).

ما زمانی بی ایمان بودیم و معیار زندگی ما وابسته به آنچه در محیط زندگی بدست آورده بودیم بود. می گویند وقتی در روم هستی ... مثل رومیان زندگی کن. اما حال که فرزندان خدا هستیم ... معیار زندگی ما عوض شده ... کلام خدا معیار را تعیین می نماید. چگونه تعیین می نماید ....؟ با تجربه. روح القدس تجربیات روحانی خدا را برای ما بجای می آورد. روح القدس است که معیار زندگی ما را بوجود می آورد ... نه خودمان (تصور که از کلام داریم). تنها زمانی که روح القدس در ما ... نیازی را آشکار می کند ... زمانیست که آیات کلام امکان هضم خود را دارند (تجربه). برداشت از آیات ... ممکن است در هر یک از فرزندان یکی باشد ... اما تجربه اولیه هر یک ... بر حسب خواست ویژه خدا در هر یک از فرزندان رشد می کند ... و تجربیات ویژه دیگری را بوجود می آورد ... و آنها نیز ... تجربیات دیگر ... "زیرا خداست که با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش می سازد، در شما پدید می آورد." (فیلیپیان ۲: ۱۳ هزاره). چگونه انجام آنچه را که خشنودش می سازد، در شما پدید می آورد ...؟ روح القدس ... با عمل نیرومند خود ... خدا را در ما می آفریند. تصور ... چنین کاری را نمی کند. مذهب مکتب روحانی خدا را پایمال کرده دنیا را مخالف خدا نموده. ارزش آفرینش بیشتر از آفریننده شده. حال آفرینش است که حاکم بر همه چیز شده ... و ما مجبور هستیم با آن با مدارا رفتار نمائیم. اما ... خداست که با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش می سازد را ... در ما بوجود می آورد ... آیا نمی دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شماست و او را از خدا یافته اید، و دیگر از آن خود نیستید؟ به بهایی خریده شده اید، پس خدا را در بدن خود تجلیل کنید" (اول قرنیان ۶: ۱۸ و ۱۹ هزاره). می گوید ... دیگر از آن خود نیستید. یعنی خداست که در ما حکومت می کند. روح القدس درون ما است که حاکمیت خدا را ... اجرا می نماید. می توان گفت ... برنامه کامپیوتر زندگی ماست. "مثلاً اگر کسی بذر در کشتزار هوی و هوش خویش بکارد، از آن خرمن مرگ را درو خواهد کرد و اگر در کشتزار روح خدا بکارد، از روح، حیات جاودانی را درو خواهد کرد" (غلاطیان ۶: ۸ مرده). منظور از ... حیات جاودانی را درو خواهد کرد چیست ...؟ در کشتزار روح خدا بکارد. نگفته ... بداند ... چیست که باید در کشتزار روح خدا کاشته شود. کاشتن کاریست روزانه. زمانی که مشغول کار هستیم ... در حال کاشتن هستیم ... زمانی که مشغول خانواده خود هستیم ... مشغول کار هستیم. این خداست که حال در ما کار می کند. در عیسی نیز خدا اینگونه کار می کرد. روح القدس مارا آنگونه که به نفع حیات ماست ... هدایت می کند و قدرت لازم را ... می دهد.

هر چه زودتر به این حقیقت پی ببریم ... به نفع ماست ... چون آنوقت ... گوشمان پیش اوست ... و خدا را که همیشه در کار است را ... در خود می بینیم. اگر همه چیز خوب است ... خدا را شکر ... اما اگر اشکالی هست ... آنوقت کمک لازم خواهیم داشت. خدا از طریق نیاز هایمان ... در کشتزار روح خدا می کارد. روح القدس آنچه نیاز دارد را قبل از آن که به مسئله یا مشکل تبدیل شود ... به ما می گوید. این همان نبوتها روح است ... "آتش روح را خاموش مکنید؛ نبوتها را خوار مشمارید. همه چیز را بیازمایید؛ به آنچه نیکوست، محکم بچسبید." (اول تسالونیکیان ۵: ۱۹ تا ۲۱ هزاره). منظور از نبوتها چیست ...؟ آنچه روح القدس راجع به ... آنچه گفته در پیش ما هست را ... خوار مشمارید. می گوید اتفاقاً عکس ... آن را کمال شادی بینگارید! زیرا می دانید گذشتن ایمان شما از بوته آزمایشها، پایداری به بار می آورد" (یعقوب ۱: ۲ و ۳ هزاره). منظور از بینگارید ... یعنی چه؟ یعنی حال ... هر گاه ... می توانید چاره را خدا در کلامش بدست آورید. هر مسئله و مشکلی که در زندگی فرزند خدا بوجود می آید (و کیست که آن را ندارد)، آزمایش خداست (در بهشت مسئله یا مشکلی نیست). هر یک از این آزمایشات (مسائل و مشکلات زندگی) می تواند ما را بیشتر شبیه عیسی (موجود بهشتی) نمایند. قبلًا برای حفظ حیات خودمان کار می کردیم ... حال همان کار را برای خدائی که در ماست ... انجام می رسانیم. شاید زندگی روزانه ما فرق زیادی با گذشته نکرده ... ولی حال هر چه هست ... خوب یا بد ... متکی به روح القدس است که در خود ماست. بخارط اوست که می خوریم و می خوابیم ... کار می کنیم و تفریح می نمائیم. سختی های زندگی را تحمل می کنیم چون ... همان آزمایش خداست. ممکن است بقیه همکاران برای خودشان کار می کنند، ولی ما .... بخارط خدا که در ماست کار می کنیم. آفرینش جدید خدا در ماست. او خود را در ما می آفریند. آفرینش او دائم در حال رشد است.

## ۶: سران کاهنان سکه ها را از زمین جمع کرده، گفتند: «ریختن این سکه ها در خزان معبد جایز نیست، زیرا خوبه است».

فراموش کرده بودند که ... خودشان ... سکه ها را داده بودند ... و بخارط همین منظور داده بودند ...! حال با این ثروت دست خورده چکار باید بکنند. ثروت را نمی توانند از دست بدهند ... و نمی توانند نگاه بدارند! نجس شده و باید در دست دیگری سپرد. «ما را چه؟ خود دانی!». خودشان اقرار می کنند ... خوبه است...! بله شکی نیست که تمام این مسائل از دین و مذهب سر چشمeh گرفته ... و عیسی جانش را داد تا این یوغ نجاست از گردن ما برداشته گردد. همه با این یوغ نجاست به دنیا آمده ایم. اما منظور از نجات ما اینست ... که از بند ... بد بینی - بد اندیشی - نارضایتی ... آزاد می کند ... تا بتوانیم نشاط حیات خود بدست آوریم ... و نشاط به دیگران ابراز نمائیم. بجای خوبها ... نشاط روح القدس است که در دست ماست ... که هر موقع که لازم داریم ... در دعا می توانیم با او تماس داشته باشیم. بله خدا شیطان را بیرون می کند و جایش را با خودش پر می کند.

ریختن این سکه ها در خزان معبد جایز نیست ... پس حالا چکار کنیم ...؟ شک روحانی بدست آورده بودند ... جایز نیست. ما نیز ممکن است دچار شک روحانی بشویم. "اگر شخصی بی ایمان شمارا به صرف غذا دعوت می کند و شما نیز مایل به رفتن هستید، هر آنچه در برابر تبان می گذارد بدون نظر به وجودان بخورید، مگر اینکه کسی به شما بگوید: «این گوشت به بتها تقدیم شده است.» تنها در این صورت، به خاطر کسی که این را به شما گفت و به خاطر وجودان، از آن مخوبید" (اول فرنتیان ۱۰: ۲۷ و ۲۸ هزاره). خوردن در کلام خدا ... معنی برداشت روحانی دارد. منظور اینست ... اگر شک دارید کاری را انجام دهید ... صبر کنید ... شک را بر طرف کنید ... آنوقت اگر بخواهید .... می توانید انجام بدھید. شک را روح القدس بوجود می آورد. نمی خواهد صدمه به حیاتش وارد شود .... و اینگونه نبوت را می رساند. "اگر کسی از شما به فکر ساختن یک برج باشد، آیا اول نمی نشیند و مخارج آن را برآوردن می کند تا ببیند آیا توانایی تمام کردن آن را دارد یا نه؟ در غیر این صورت اگر پایه آن را بگذارد و بعد نتواند آن را تمام کند، همه کسانی که آن را ببینند به او خواهند خنید" (لوقا ۱۴: ۲۸ و ۲۹ مژده). نباید فراموش کنیم که در دنیای از جلال افتاده زندگی می کنیم. ساختمانی که عیسی در ما می سازد ... از طریق روح القدس ساخته می شود. اوست که می داند از کدام صالح ساختمانی خدا استقاده کند ... و تشنۀ آیاتیست که مربوط به نیازی که دارد می باشد. کلیسا ... آیاتی که مربوط به نیازی که داریم را بما می دهد ... تا همه را در دست آزمایش روح القدس درون خود بگذاریم ... تا برداشت لازم را بگند و نیاز را بر طرف نماید.

۷: پس از مشورت، با آن پول مزرعه کوزه گر را خریدند تا آن را گورستان غریبان سازند.

۸: از این رو آن مکان تا به امروز به 'مزرعه خون' معروف است.

نجاست را در **مزرعه کوزه گر** دفن کردند. می گویند ما پاکیم .... دست به سیاه و سفید نمی زنیم! دخالت در کار همیگر نمی کنیم. چون منفرد هستیم. خود پرورده و از خود راضی هستیم ... و خود دانیم.

حال آن **'مزرعه خون'** ... تبدیل به ... مزرعه لاله های زیبا شده. برداشت های انسانی نیز رشد نموده است.

۹: بدین سان، پیشگویی ارمیای نبی به حقیقت پیوست که گفته بود: «آنان سی سکه نقره را برداشتند، یعنی قیمتی را که بنی اسرائیل بر او نهادند،

۱۰: و آن را به جهت مزرعه کوزه گر دادند، چنانکه خداوند به من امر فرموده بود».

ارمیا بیش از ششصد سال قبل از حیات عیسی پیشگوئی کرده بود. **روح القدس پیشگوئی می کند**. برداشتی که هر لحظه داریم را معاینه می کند. مانند یک صافی می ماند بر آنچه از بیرون

خود برداشت می کنیم. آنچه مُمد حیات است را می پذیرد ... و آنچه نیست ... با صبر و محبت خدا ... نمی پذیرد ... اما او جواب داد: **"براستی به شما می گویم، من شمارا نمی شناسم!"** (متی ۲۵: ۱۲). ما در جائی که محبت خدا در آن هست ... می مانیم ... اما اگر نیست ... با محبت خدا آنجا را ترک می نمانیم. **نباید روح را آزار داد.** خدا از آنها نیز برای مقاصد نیکوی خود ... استفاده می کند. اما باید هوشیار باشیم و دچار بخت بد **مزروعه کوزه گر** نشویم. آنچه می بینیم و حس می کنیم ... که ما را آزار می دهد ... زمانیست که باید با محبت خدا ... آجا را ترک کرد.

خویشتنداری ... از خصوصیات خداست. باید خویشتندار بوده باشیم تا بتوانیم با شیطان مقابله کنیم. ما همه روزانه خویشتنداری می کنیم ... چون مجبوریم. اما خویشتنداری بخاطر دادن پیام نجات بخش عیسی ... تجربه می خواهد. معمولاً در کلیسا... یک نفر نقش مبشر را عهده می گیرد و نفر دیگر نقش مخالف ... و به این شکل بشارت و خویشتنداری را می آموزند.

اگر **هدف کلیسا تقدیس باشد** ... **یکایک موانع راه عیسی** ... **برداشته خواهند شد.** اگر روح القدس عامل کار شناخته شود ... یکایک موانع راه عیسی ... برداشته خواهند شد. چرا...؟ چون روح القدس تشنۀ کلامش می باشد ... و **آن مایه تقدیس خداست.** تقدیس یعنی چی ...؟ یعنی **خداگانگی** ... **برداشت از خصوصیات خداست.**

آنچه مسئله یا مشکلی ... که فرزند خدا هست ... کلیسا باید حل کند ... چون در بهشت مسئله یا مشکلی نیست. کلید آسمان در دست کلیساست. خادمین بسیاری لازم است. هر چه خادم بیشتر باشد .... موفقیت کلیسا نیز بیشتر خواهد گردید. عطاایا بسیارند .... ولی کلیسا باید زمینه آزمایش آنها را برای اعضایش فراهم نماید. اگر امکان اجرای عطاایای مختلف را بوجود نیاورد .... خادم خدا نیز بوجود نخواهد آمد.

**روح القدس باید مقام رهبری را** .... از طریق شبان .... بدست بگیرد .... تا آنکه خواهان خدمت به خداست، عطیه خود را از طریق روح القدس و کلامش دریافت کند. همه زیر چطر روح القدس (مدیریت و اجرا) انجام می گیرند. البته عامل اصلی کلیسا محبت خداست .... اما انصباطی در کار کلیسا نیز هست (متی ۱۸: ۱۵ تا ۲۰). اگر روح القدس حاکم نباشد ..... شیطان حاکم خواهد بود. اگر موافق با این مکتب بوده باشیم ... آیات کلام میوه خود را در موسم خود خواهد آورد "«من تاک هستم و شما شاخه های آن هستید. هر که در من بماند و من در او، میوه بسیار می آورد چون شما نمی توانید جدا از من کاری انجام دهید» (یوحنا ۱: ۱۵: ۵ مژده). میوه بسیار کدام است ....؟ خواست خدا ... شباهت عیسی ... در ما. خصوصیاتی که تا حال ... از خدا دریافت کرده ایم ... میوه روح القدس در ماست. خداگانگی ماست. مُمد حیات ما در این دنیا .... و دنیای آخرت ماست. ارزش آن را باید داشته باشیم.

## متى ۲۷ (هزاره)

- ۱۱: اما عيسى در حضور والى ایستاد. والى از او پرسید: «آيا تو پادشاه یهودى؟» عيسى پاسخ داد: «تو مى گویى!»
- ۱۲: اما هنگامى که سران کاهنان و مشايخ اتهاماتى بر او وارد کردند، هیچ پاسخ نگفت.
- ۱۳: پس پیلاتس از او پرسید: «نمى شنوی چقدر چيزها عليه تو شهادت مى دهند؟». ۱۴: اما عيسى حتى به يك اتهام هم پاسخ نداد، آن گونه که والى بسيار متعجب شد.
- ۱۵: والى را رسم بر اين بود که هنگام عيد يك زندانى را به انتخاب مردم آزاد سازد.
- ۱۶: در آن زمان زندانى معروفى به نام باراباس در حبس بود.
- ۱۷: پس هنگامى که مردم گرد آمدند، پیلاتس از آنها پرسید: «چه کسی را مى خواهيد برایتان آزاد کنم، باراباس را یا عیسای معروف به مسیح را؟».
- ۱۸: این را از آن رو گفت که مى دانست عيسى را از حسد به او تسلیم کرده اند.
- ۱۹: هنگامى که پیلاتس بر مسند داوری نشسته بود، همسرش پیغامى برای او فرستاد، بدین مضمون که: «تو را با این مرد بى گناه کاري نباشد، زира امروز خوابى درباره او دیدم که مرا بسيار رنج داد».
- ۲۰: اما سران کاهنان و مشايخ، قوم را ترغيب کردند تا آزادى باراباس و مرگ عيسى را بخواهند.
- ۲۱: پس چون والى پرسید: «کدام يك از اين دو را برایتان آزاد کنم؟» پاسخ دادند: «باراباس را».
- ۲۲: پیلاتس پرسید: «پس با عیسای معروف به مسیح چه کنم؟» همگى گفتند: «بر صلیبیش کن!»
- ۲۳: پیلاتس پرسید: «چرا؟ چه بدی کرده است؟» اما آنها بلندتر فریاد برآوردن: «بر صلیبیش کن!»
- ۲۴: چون پیلاتس دید که کوشش بیهوده است و حتی بیم شورش می رود، آب خواست و دستهای خود را در برابر مردم شست و گفت: «من از خون این مرد بری هستم. خود دانید!»
- ۲۵: مردم همه در پاسخ گفتند: «خون او بر گردن ما و فرزندان ما باد!»
- ۲۶: آنگاه پیلاتس، باراباس را برایشان آزاد کرد و عيسى را تازیانه زده، سپرد تا بر صلیبیش کشند.

۱۱: اما عیسی در حضور والی ایستاد. والی از او پرسید: «آیا تو پادشاه یهودی؟» عیسی پاسخ داد: «تو می گویی!»

منظور شان از پادشاه یهود چیست ....؟ پادشاه دنیوی یهود. یهودیان از ساموئیل خواسته بودند بجای خدا .... پادشاهی به آنها بدهد .... "پس تمام بزرگان قوم در یک مکان گرد هم آمدند و نزد سموئیل به رامه رفتند و به او گفتند: «خودت پیر و سالخورده شده ای و پسرانت هم به راه تو نمی روند، بنابراین ما می خواهیم که مانند اقوام دیگر پادشاهی داشته باشیم تا بر ما حکومت کند»" (اول ساموئیل ۸: ۴ و ۵ مژده).

عیسی می گوید تو می گویی! خودت اقرار می کنی ..... "عیسی به آنها گفت: «شما به این عالم پایین تعلق دارید و من از عالم بالا آمده ام، شما از این جهان هستید، ولی من از این جهان نیستم". (یوحنا ۸: ۲۳ مژده).

بسیاری از حکومت های دنیا مخالف عیسی مسیح می باشند. مسیحیان بخارط نجاتی که کسب کرده اند ... توانائی بهتری از تشخیص اوضاع و احوال جامعه دارند، و این باعث درگیری با بی ایمان می گردد. به همین خاطر دولت را از دین جدا کرند تا به اصطلاح ... منصفانه رفتار کرده باشند. منصفانه اینگونه است که هیچ کس نمی تواند صحبت از دین خود بکند. و حال که مسیحی را نیز دین می شمارند ... صحبت از عیسی من نوع می باشد. اینجا دلیل دیگری از جلال افتادگی دنیا را می بینیم. طبق قانون ... نمی توان راجع به خدا حرف زد! چرا ...؟ چون خدا را در دین می بینند... و دین در حکومت جائی ندارد. ابتدا بجای خدا از ساموئیل حکومت مردمی را خواستند ... و سپس حکومت مردمی ... خدا را کنار گذاشت.

۱۲: اما هنگامی که سران کاهنان و مشایخ اتهاماتی بر او وارد کردند، هیچ پاسخ نگفت.

چرا عیسی به سران کاهنان و مشایخ .... هیچ پاسخ نگفت؟ خوش گفته بود ... "پس مال قیصر را به قیصر بدهید و مال خدا را به خدا" (متی ۲۲: ۲۱ هزاره). اما اینجا مال خدا وجود نداشت تا آن را بدهد. مانند دروغگوئی می ماند که شما را محکوم به دروغگوئی کرد. هیچ پاسخ ندارد!

۱۳: پس پیلاتس از او پرسید: «نمی شنوی چقدر چیز ها علیه تو شهادت می دهند؟».

بله فرقی نمی کند کیست که محکوم می کند ... نمی شنوی چقدر چیز ها علیه تو شهادت می دهند؟. حال دادگاه بر قرار است ... شاکی و مجرم حضور دارند ... و تنها آنها حق صحبت دارند ... یا از خود دفاع می کنی ... یا محکوم می شوی. وقتی پرده چشم دل انسان هنوز بسته است ... "زیرا دل این قوم سخت شده، گوشهاشان سنگین گشته، و چشمان خود را بسته اند، مبادا با چشمانشان ببینند، و با گوشهاشان بشنوند و در دلهای خود بفهمند و بازگشت کنند و من

**شفایشان بخشم؟**" (متی ۱۳: ۱۵ هزاره) ... نمی تواند حقیقت را ببیند. چقدر چیز ها ... دروغ ها ... را می شناسد ... ولی **هیچ پاسخ نگفت** را ... نمی شناسد. ظاهر را می شناسند ... ولی باطن مخفی است ... حتی از خودشان. قابلیت **در دلهای خود بفهمند** را ندارند. ما نیز زمانی مانند این افراد بودیم ..... و حال ارزش نجاتی که بدست آورده ایم برای ما روشن می شود. ما به آنچه **دل** ... بما می گوید ... روح القدس ... به آن اکتفا می کنیم ... حتی اگر ابتدا به ضرر ما تمام می شود ... چون "می دانیم در حق آنان که خدا را دوست می دارند و بر طبق اراده او فرا خوانده شده اند، همه چیز ها با هم برای خیریت در کار است." (رومیان ۸: ۲۸ هزاره). برای **خیریت** کی ...؟ برای خیریت روح القدس که در ماست. آنچه برکت هست را روح القدس درون ما ... از طریق جسم ما ... بدست می آورد. این عصاره زندگی فرزندان خدادست. خونی که در ما در جریان دارد ... در دست روح القدس است ... که در ما در جریان است. اوست که حاکم زندگی ما شده ... او را نادیده نخواهیم گرفت. شیطان است که می گوید کمی کوتاه بیا. کوتاه آمدن ابتدای قضیه می باشد. اگر ابتدا موفق بشود ... فکر می کنید می رود جای دیگر ...؟ دست بردار نیست ... حتی قویتر نیز خواهد شد. همانگونه که روح خدا رشد خود را دارد ..... روح شیطان نیز رشد خود را دارد. ما توجه بیشتری به روح خدا می کنیم ... و این درست است ... اما روح القدس هشدار لازم را نیز می دهد.

**هوس** ... در دنیای از جلال افتاده ... همه را دچار **ضعف روحانی** کرده. کافیست تلفن دستی خود را باز کنیم ... و هر آنچه هوس انگیز است را ... می بینیم ... و تصور می کنیم. اینجاست که باید به یاد داشته باشیم .... «**همه چیز جایز است**» - اما **همه چیز مفید نیست**. «**همه چیز رواست**» - اما **همه چیز سازنده نیست**» (اول قرنیان ۱۰: ۲۳ هزاره). ممکن است برای دیگری **مفید** باشد .... اما اگر روح القدس در ما قبول نداشته ... به ضرر ما خواهد بود. **سازنده** را خدا در فرزندانش انجام می دهد ... و هر چه جایز است را ... برای خیریت فرزندانش استفاده می نماید.

#### ۱۴: اما عیسی حتی به یک اتهام هم پاسخ نداد، آن گونه که والی بسیار متعجب شد.

حال می دانیم چرا عیسی **هیچ پاسخ نگفت**. وقتی ما را در جمع دروغگویان ... به اتهام دروغگوئی محکوم می کنند ... چگونه می توانیم از خود دفاع کنیم. چیست که می توانیم از خود نشان بدھیم ... آنچه در ماست ... دیدنی نیست. خصوصاً در جمع بی ایمانان. اینجاست که یا باید ساكت بمانیم ... یا سفره خدارا پهن نمائیم... "سفره ای برای من در برابر دیدگان دشمنانم می گسترانی! سرم را به روغن تدهین می کنی و پیاله ام را لبریز می سازی." (مزمر ۲۳: ۵ هزاره). **سفره** خدا چیست ...؟ مرهم درد. آنچه دشمن نیاز دارد را خدا مجانی به او می دهد .... تا هرما ... بخورد و ببیند ... که خدا نیکوست ... "بچشید و ببینید که خداوند نیکوست؛ خوشابه حال آن که در او پناه گیرد." (مزمر ۳۴: ۸ هزاره). بی ایمانان فایده ای در شناخت خدا برای خود نمی بینند. آنچه از مذهب دیده و شنیده اند .... تنها به درد آن می خورد که نصیب عیسی شد. چه فایده دارد انسان جانش را بخاطر افکارش از دست بدهد! همه در کار حفظ

جانمان هستیم .... چه ایماندار و چه بی ایمان. حال چه فرق دارد با خدا باشیم یا نباشیم ... اینجاست که سفره خدا پهن می گردد... دشمن بخاطر جرمی که ما مرتکب شده ایم ... به ما حمله کرده است ... حق آن را داریم از او بپرسیم چرا. هر چه هست ... باید ابتدا راجع به آن صحبت کرد. مشورت با دشمن ... زمینه را برای سفره خدا فراهم می سازد. خدا خشونت و بی حکمتی را از ما گرفته ... و جایش را با حکمت خود ... پر کرده. حکمتی است که .... هر لحظه یار زندگی ماست ... "وقتی شما را به کیسه ها و دادگاه ها و به حضور فرمانروایان می آورند، نگران نباشید که چطور از خود دفاع کنید و چه بگویید، چون در همان ساعت، روح القدس به شما نشان می دهد که چه بگویید." (لوقا ۱۲: ۱۲ مژده).

**۱۵: والی را رسم بر این بود که هنگام عید یک زندانی را به انتخاب مردم آزاد سازد.**

همه مردم بر ضد عیسی شعار می دادند. **والی** مانده بود چکار کند...! به نظر می آید که نسبت به عیسی دو دل بود. خواستی که مردم داشتند ... به نظرش درست نمی آمد. **چون او مانند بقیه مردم ... در محور حاکمیت مذهب زندگی نمی کرد.** شیطنت را می دید ... ولی راهی جدا از خواست مردم را می خواست. **عید** بود و **والی** می توانست خشم مردم را با آزاد سازی ... یک زندانی خاموش سازد.

**۱۶: در آن زمان زندانی معروفی به نام باراباس در حبس بود.**

زندانی معروفی در میان مردم بود. "اما آنها یکصدا فریاد برآورند: «او را از میان بردار و باراباس را برای ما آزاد کن!» باراباس به سبب شورشی که در شهر واقع شده بود، و نیز به سبب قتل، در زندان بود." (لوقا ۲۳: ۱۸ و ۱۹ هزاره). اعمالش بر خلاف حکومت رومیان بود ... ولی بخاطر بدست آوردن دل مردم هر سال یک زندانی را آزاد می کردند. می گوید .... به سبب شورشی که در شهر واقع شده بود، و نیز به سبب قتل، در زندان بود .... و مردم فریاد میزنند .... «او را از میان بردار و باراباس را برای ما آزاد کن!». علامت تعجب ...! در اینجا بجاست. یک جانی را بجای نجات دهنده .... ترجیح می دادند. دنیا پر از اینگونه آدم ها شده ... "همان عیسی که جان خود را برای گناهان ما داد تا طبق اراده پدر ما خدا، ما را از این زمانه شریر بر هاند." (غلطیان ۱: ۴ مژده).

- ۱۷: پس هنگامی که مردم گرد آمدند، پیلاتس از آنها پرسید: «چه کسی را می خواهید برایتان آزاد کنم، باراباس را یا عیسای معروف به مسیح را؟».
- ۱۸: این را از آن رو گفت که می دانست عیسی را از حسد به او تسلیم کرده اند.

می گوید از حسد به او تسلیم کرده اند. او که داخل جماعت شیطان صفتان نبود .... می دانست عیسی را از حسد به او تسلیم کرده اند. جالب است که حتی بی ایمانان می توانند تشخیص دهند که حسادت در کار است. اشکال عده مذهبیون حسادت بود. چون او از دل حرف میزد .... و آنها شناختی از دل نداشتند. بهترین موقع برای دادن پیام خداست. همه مذهبیون را نباید مخالف عیسی شمرد. نیکوکوئیوس شبانه به حضور عیسی آمد. این افراد دنبال خدا بودند ... ولی ... نمی توانستند خدا را در انسان ببینند. نشناخته بودند. نجات یعنی .... آزاد شدن از بند گناه. هر یک از ما ... گناه خود را داریم ... و خدا راه نجات را برای هر یک ... در کلامش نشان داده. آیات مربوط به هر موردی را می توان در آیه یا ب بدست آورد. آیات بدست آمده مربوط به هر مورد ... چکیده نظر خدا راجع به آن مورد می باشد. اما ... روح القدس باید بخواهد ... تا بتوان از آیات برداشت نمود. خداست .... که حکم انجام کار هایمان را به ما می دهد. آنچه گناه در ما هست را بیرون کرده ... جانشین آن (خداگانگی) را در ما پرورش می دهد. خدا روح القدس را بما داده تا حیات ما را به کمال رساند ... و مسائل و مشکلات ما را از طریق کلامش حل نماید. ما زمانی که کلام را می خوانیم ... تصور به آنچه می خوانیم نیز می کنیم. سعی می کنیم تصور آنچه نویسنده می گوید را بکنیم تا بفهمیم چیست که می گوید. در جلسات مطالعه کلام نیز.... آیات مختلف مورد تصور اعضا قرار می گیرند و هر یک نظر مختلفی از آن را می دهند.

فکر و تصور آیات ... یا تجربه از آنها ... فرق بسیار مهمی دارد.

ما چون تصور می کنیم ... فکر می کنیم ... برداشت از آن کرده ایم.

### دانستن ... شده .... تجربه

همه به کلیسا می آیند .... گوش به موعظه می دهند .... و می روند. کیست که نخواهد مانند واعظ .... با خدا آشنا نباشد .... ولی واعظ صحبت از انجام کار ... تجربه شخصی ... نمی کند. انجام کار دست خودش می باشد ... دو یا سه خادم ... ولی به دلیلی ... اشاره به آن نمی کند. در نتیجه فرزند خدا می شنود ... و ناکام ... از کلیسای خداوند بیرون می رود....!

اما تنها کلیسا نیست که تقصیر کار است. اعضای کلیسا هستند که باید خواهند, بکوینند, و بجوینند ... تا بدست آورند. اینگونه نیست که برویم کلیسا .... بشنویم .... و دست خالی خارج بشویم. با شیطان است که مقابله می کنیم. کلیسا را خدا به ما داده تا از آن بهره ببریم، نه آنکه دلمان را با شنیدن حرف های خوب راضی کنیم. شنیدن پیام بدون تجربه چه فایده دارد ... "شما باید بر طبق کلام او عمل کنید و فقط با شنیدن خود را فریب ندهید. چون کسی که به کلام گوش

می دهد ولی بر طبق آن عمل نمی کند، مانند مردی است که به آینه نگاه می کند و قیافه طبیعی خود را در آن می بیند. او خود را می بیند ولی همین که از جلوی آینه دور می شود، فراموش می کند که قیافه اش چگونه بود. اما کسی که با دقت به شریعت کامل و آزادی بخش نگاه کند و همیشه متوجه آن باشد و شنونده فراموشکاری نباشد، بلکه مطابق آن رفتار کند، خداوند تمام کارهای او را برکت خواهد داد."(یعقوب ۱: ۲۲ تا ۲۵ مژده). مطابق آن ... رفتار کند ... است که .... برکت خواهد داد. روح القدس باعث می شود که .... او خود را می بیند. نیاز و اشکالی که داریم را روح القدس به ما نشان می دهد.... **قیافه طبیعی** خود را در آن می بینیم. منظور از **قیافه طبیعی** چیست....؟ طبیعت گناه کاریست که خود را نشان می دهد. گناهیست که یا با آن به دنیا آمده ایم .... یا آموخته ایم.

**۱۹: هنگامی که پیلاتس بر مسند داوری نشسته بود، همسرش پیغامی برای او فرستاد، بدین مضمون که: «تو را با این مرد بی گناه کاری نباشد، زیرا امروز خوابی درباره او دیدم که مرا بسیار رنج داد».**

پیلاتوس خودش نمی خواست عیسی را محکوم کند چون اشکالی در او نمی دید. وقتی همسرش پیغام آورد .... "در شب، وقتی انسان در خواب عمیق فرو می رود، در رویا با او حرف می زند. گوشهای او را باز می کند. او را می ترساند و اخطار می دهد" (ایوب ۳۳: ۱۵ و ۱۶ مژده). البته ما فرزندان خدا در بیداری با روح القدس تماس داریم .... چون اوست که خود را بر ما مکشوف می کند. دیگر در رویا (تصور) بسر نمی بريم ... فقط با شنیدن خود را فریب ندهید ... بلکه از امکان دست یافتن به جواهرات خدا .... کمال کوشش خود را خواهیم کرد. به نفع ماست.

**پیلاتس** تصمیم خود را گرفت ....

**۲۰: اما سران کاهنان و مشایخ، قوم را ترغیب کردند تا آزادی باراباس و مرگ عیسی را بخواهند.**

**قوم را ترغیب کردند** .... و هنوز جوامعی هستند که مورد **ترغیب** (وادر) قرار می گیرند.... و فکر می کنند اشکال در حکومت است. همه چیز را از بالا به پائین می انگارند. البته آنچه در حکومت می گذرد بر مردم نیز سراایت می کند .... ولی ما می دانیم که حاکم ما خدا .... عیسی مسیح است .... که از طریق روح القدس ... بر ما حکومت می کند. هر چه مربوط به حکومت و سیاست می باشد را ... از کلام برداشت می نمائیم. "به آنها گفت: «پس مال **قیصر** را به **قیصر بدھید و مال خدا را به خدا»"(متی ۲۲: ۲۲).**

خدا نکند شیطان ما را از راه تنگ و باریک خدا منحرف کند.... آنوقت پیامدهای آن را باید تحمل کنیم .... و روح توبه را بکار ببریم تا دوباره بتوانیم با خدا ارتباط برقرار کنیم. همه بقدر کافی این دوران تلخ و ناگوار را گذرانده ایم. حتی زمانی که ایماندار بوده ایم .... گناه کرده ایم.

کلام می گوید همه گناه کاریم. گناه را نیز می دانیم که به ضرر ماست. چاره در ارتباط شخصی با روح القدس درون خودمان می باشد. اوست که خواست خدا را به ما نشان می دهد. تجربه دریافت .... از روح القدس درون خود ..... و برداشت از آیات کلام بدست می آید. هر آیه باید به قسمت هائی که دارد تقسیم شده باشد .. تا محتوای آیه نمایان گردد(ضمیمه ۲).

۲۱: پس چون والی پرسید: «کدام یک از این دو را برایتان آزاد کنم؟» پاسخ دادند: «باراباس را».

۲۲: پیلاتس پرسید: «پس با عیسای معروف به مسیح چه کنم؟» همگی گفتند: «بر صلیبیش کن!»

می گویند «باراباس را آزاد کن .... و عیسای معروف به مسیح را .... «بر صلیبیش کن!». یک آدم کش را آزاد کردند .... و یک نجات دهنده را کشتد. فرق با ایمان و بی ایمان را می بینیم. با وجود آنکه همه چیز مانند گذشته است .... ولی برای ما همه چیز تغییر کرده. برداشت ما تغییر کرده.... حاکم ما .... خدا شده. حیات جاودان ماست .... که حیات دیگران را .... غنیمت می شمارد .... و سعی بر نجات آن می کند. اما .... نجاتی که .... هرراه با قدوسیت بوده باشد. ما معمولاً کسی را که دعای گناه کار می خواند را به کلیسا می سپاریم به امید آنکه خدا شناس بگردد. اما فراموش می کنیم که یادآور بشویم .... دانستن کلام تنها کافی نیست .... تجربه کلام کافیست. خدا ما مسیحیان را از طریق کلامش .... و روح القدسی که درون خود داریم .... تبديل به موجود بهشتی می نماید. عیسی موجودی بهشتی بود. جانش را داد .... تا ما جانش را بدست اوریم.

۲۳: پیلاتس پرسید: «چرا؟ چه بدی کرده است؟» اما آنها بلندتر فریاد برآوردند: «بر صلیبیش کن!»

پیلاتس نگران بود .... «چرا؟ چه بدی کرده است؟». نه تنها خودش حدس میزد که عیسی بی گناه است .... بلکه هسرش نیز این پیغام را داده بود.... اما آنها .... بلندتر .... فریاد برآوردند: «بر صلیبیش کن!». جالب است ... پیلاتس .... و مردمی که فریاد می زندن .... هر دو بی ایمان یوندند. اما .... یکی مخالف عیسی بود و دیگری نه....! چرا .....؟ مذهب دنیا را مخالف عیسی کرده. دنیای از جلال افتاده .... بخاطر نفوذ مذهب .... امکان نجات عیسی را از دست داده. می گویند مذهب ما مسیحی است. چون کلیسا مذهبی شده.

در همه مذاهب دنیا .... مردم دور یکدیگر جمع می شوند و راجع به دینشان می گویند و می شنوند .... و بعد بر می گردند به کار و زندگیشان. کلیسا نیز اینگونه شده. تنها اگر عضوی در خواست مشورت روحانی را داشته باشد .... امکان تقدیس را بدست می آورد. چرا ....؟ چون تقدیس هدف کلیسا نیست. مگر ایماندار تمام کلام را باید خوانده باشد تا واجد شرایط مشاوره مسیحی بوده باشد...! مشاوره مسیحی .... تمرکز بر آیات کلامی می کند .... که مربوط

به نیاز فرزند خداست. آنچه فرزند خدا باید انجام بدهد .... ربطی به آنکه قبلًا آن را خوانده یا خوانده ندارد .... آیات و محتوایشان را آزمایش می کند و برداشت لازم ... یعنی تقدیس ... را خودش بدست می آورد. مشاوران برداشت های او را در محدوده تنگ و باریک خدا هدایت می نمایند.

۲۴: چون پیلاتس دید که کوشش بیهوده است و حتی بیم شورش می رود، آب خواست و دستهای خود را در برابر مردم شست و گفت: «من از خون این مرد برعی هستم. خود دانید!»

پیلاتس کوشش بیهوده کرد. بینید مذهب چه تاثیری روی جامعه گذاشته .... که پیلاتس بی ایمان .... کوشش خود را کرد تا عیسی را نجات بدهد...! حتی بیم شورش را داشت. یادمان باشد که قبلًا خوانده بودیم .... اما سران کاهنان و مشایخ، قوم را ترغیب کردند تا آزادی باراباس و مرگ عیسی را بخواهند. شیطان مذهب را ساخت .... تا انسان را از خدا دور کند. پیلاتس که زیر یوغ مذهب قرار نگرفته بود .... می خواست عیسی را نجات بدهد.... حال آنکه شناختی از عیسی نداشت ....! چرا...؟ چون نشانه های وجود خدا را همه مردم دنیا به نحوی برداشت کرده اند..."زیرا از آغاز آفرینش جهان، صفات نادیدنی خدا، یعنی قدرت سرمدی و الوهیت او را می توان با ادراک از امور جهان مخلوق، به روشنی دید. پس آنان را هیچ عذری نیست"(رومیان ۱: ۲۰ هزاره). روح القدس .... عامل حیات انسان است .... و در همه وجود دارد .... زیرا صفات نادیدنی خدا را او نشان می دهد ...."پس از آن خداوند مقداری خاک از زمین برداشت و از آن آدم را ساخت و در بینی او روح حیات دمید و او یک موجود زنده گردید."(پیدایش ۲: ۷ مژده). "زیرا روح خدا مرا آفریده است و نفّس قادر مطلق به من زندگی بخشیده است"(ایوب ۳۳: ۴ معاصر). صفات نادیدنی خدا برای همه آشکار می باشد. اکثر مردم دنیا حیات خود را از خدا می دانند .... اما از خداشناسی دست کشیده اند .... چون مذهب روی بدی را از خدا نشان داده. مذهبیون می گویند هر که با مانیست .... مخالف ماست. خدا را شکر برای کسانی مانند پیلاتس ... دستهای خود را در برابر مردم شست و گفت: «من از خون این مرد برعی هستم. خود دانید!».

حال چرا دستش را شست....! و جدنش ناراحت شد که گناهی را اعدام کند .... ولی مجبور بود چون مردم آن را از او می خواستند. ما نیز گاهی مجبور می شویم خلاف خواست خود کاری را انجام بدهیم .... یا متحمل چیزی بشویم. سر کار .... رانندگی .... بسیاری از موقع .... مجبور می شویم.... خلاف خواست خود رفتار نمائیم. کلام به ما می گوید .... "کسیکه بر روح خود تسلط ندارد، مثل شهر منهم و بیحصار است" (امثال ۲۵: ۲۸ قدیم).

چگونه می توان بر روح القدس **سلط** داشت....؟ با تجربه. راه دیگری نیست. تجربه نیز زمانی بدست می آید که با مسئله ای مواجه می شویم .... در بهشت خدا مسئله وجود ندارد. زمانیست که آیات کلام مورد آزمایش روح القدس قرار می گیرند .... و آنچه مورد نیاز اوست را بدست

می آورد. البته شیطان مقاومت خواهد نمود .... و به این خاطر حضور دو یا سه نفر ایماندار را لازم دارد تا انجام بگیرد.

- ۲۵: مردم همه در پاسخ گفتند: «خون او بر گردن ما و فرزندان ما باد!»  
۲۶: آنگاه پیلاتس، باراباس را برایشان آزاد کرد و عیسی را تازیانه زده، سپرد تا بر صلیب شکستد.

پیلاتس می گوید .... من از خون این مرد برعیت هستم .... و مردم می گویند .... خون او بر گردن ما و فرزندان ما باد! علامت تعجب بسیار بجاست. **خون** به قدری بی ارزش شده بود که می گویند .... بر گردن ما و فرزندان ما باد. و همین طور نیز شد. هفتاد سال پس از مرگ عیسی رومیان اورشلیم را تسخیر کردند و بسیاری از مردم را کشتن و معبدشان را خراب کردند. اگر یادمان باشد عیسی این واقعه را پیش بینی کرده بود .... "هنگامی که عیسی معبد را ترک گفته، به راه خود می رفت، شاگردانش نزدش آمدند تا نظر او را به بناهای معبد جلب کنند. عیسی به آنان گفت: «همه اینها را می بینید؟ آمين، به شما می گویم، سنگی بر سنگ دیگر باقی نخواهد ماند، بلکه همه فرو خواهد ریخت». (متی ۲۴: ۱ و ۲).

پیلاتس، باراباس را برایشان آزاد کرد .... جنایت کار بجای درست کار .... "شیران فدیه پارسایان می شوند، و خیانت پیشگان، فدیه صالحان" (امثال ۲۱: ۱۸) .... و عیسی را تازیانه زده، سپرد تا بر صلیب شکستد. تازیانه رومیان همیشه ... بیش از ۴۰ ضربه ... حد مجاز یهودیان بود. اشعیا اینگونه واقعه را پیش بینی کرد ... "پیشتم را برای آنهایی که مرا با شلاق می زدند، بر هنه نمودم، و وقتی به من ناسزا می گفتند، ریش های مرا می کنند، و به من آب دهان می انداختند، اعتراضی نکردم" (اشعیا ۵: ۶) (مژده). همچنین می گوید .... «او متحمل مجازاتی شد که حق ما بود، و او دردهایی را تحمل کرد که می بایست ما تحمل می کردیم. و ما پنداشتیم که درد و رنج و زحمتهای او مجازاتی از جانب خدا بود» (اشعیا ۵: ۳) (مژده).

## متى ۲۷ (هزاره)

۲۷: سربازان پیلاتس، عیسی را به صحن کاخ والی برداشتند و همه گروه سربازان گرد او جمع شدند.

۲۸: آنان عیسی را عریان کرده، خرقه ای ارغوانی بر او پوشاندند

۲۹: و تاجی از خار بافتند و بر سرش نهادند و چوبی به دست راست او دادند.

آنگاه در برابر ش زانو زده، استهزاکنان می گفتند: «درود بر پادشاه یهود!»

سرربازان پیلاتس، عیسی را به صحن کاخ والی برداشتند

و همه گروه سربازان گرد او جمع شدند.

۳۰: و بر او آب دهان انداخته، چوب را از دستش می گرفتند و بر سرش می زدند.

۳۱: پس از آنکه او را استهزا کردند،

خرقه از تنش به در آورده، جامه خودش را بر او پوشاندند.

سپس وی را بیرون برداشتند تا بر صلیبیش کشند.

۲۷: سربازان پیلاتس، عیسی را به صحن کاخ والی برداشتند و همه گروه سربازان گرد او جمع شدند.

۲۸: آنان عیسی را عریان کرده، خرقه ای ارغوانی بر او پوشاندند

همه گروه سربازان .... گرد او جمع شدند .... با وجود آنکه فرماندهشان مخالف اعدام او بود. او را در صحن کاخ والی برداشتند .... و در آنجا شروع به شکنجه او شدند .... "آن روزهای پیشین را به یاد آورید، زمانی را که تازه منور شده بودید؛ در آن روز ها، با تحمل رنج و زحمت، در مبارزه ای عظیم ایستادگی به خرج دادید. گاهی در برابر چشم همگان مورد اهانت و آزار قرار می گرفتید و گاهی دوش به دوش کسانی می ایستادید که با ایشان چنین رفتار می شد." (عبرانیان ۱۰: ۳۲ و ۳۳ هزاره). شاید آن روزها را فراموش کرده باشیم .... آن روزهای پیشین را به یاد آورید.... همه ما دوران جنگ روحانی خود را داشته ایم.... و در مبارزه ای عظیم ایستادگی به خرج داده ایم.... "پس تسلیم خدا باشید. در برابر ابلیس ایستادگی کنید، که از شما خواهد گریخت." (یعقوب ۴: ۷ هزاره). پیروزی ما در برابر با شیطان .... دست روح القدس است.... اما نیاز به حمایت ما .... ایستادگی .... دارد .... "زیرا می دانید گذشتن ایمان شما از بوته آزمایشها، پایداری به بار می آورد. اما بگذارید پایداری کار خود را به کمال رساند تا بالغ و کامل شوید و چیزی کم نداشته باشید." (یعقوب ۱: ۳ و ۴ هزاره).

بوته آزمایش کجاست ....؟ در تغییری که باید انجام گردد. ممکن است تغییر کردن مانند بوته آتشی باشد که باید از عبور کرد. صحبت از جنگ روحانی است .... یعنی تغییری مخالف آنچه هست را ... در ما به انجام می رساند. مشکل است آنچه در تار و پود ما نهفته شده را از خود رها کنیم. مجبوریم از قصد راه خدا را پیش بگیریم. خدا نیز کارش از قصد می باشد. در هر یک از ما ... خواست خود را از قصد اجرا می نماید.... البته با حمایت ما. ما چگونه حمایت می کنیم ....؟ در دعا .... آیات مربوط خودمان را آزمایش می کنیم .... و آنچه برداشت می کنیم .... همانست که خدا می خواهد. باید توجه داشت که ممکن است روز های بعدی .... برداشت دیگری از همان آیات داشته باشیم. روح القدس بر مبنی نیازی که در آن لحظه در ما دارد .... برداشت خود را از کلامش انجام می رساند. روح القدس موجودیست سیال (روان) ... و همیشه تشنۀ کلامش می باشد. به همین خاطر همیشه برداشت های تازه ای را دریافت می نماییم .... "زیرا محبت خداوند پایدار و رحمت او بی پایان است. آنها هر صبح تازه می باشند و وفاداری او عظیم است." (سوگنامه ۳: ۲۲ و ۲۳ مژده).

آنان عیسی را عریان کرده .... بدن لخت او را در مقابل چشمان مردم به نمایش گذارند .... "آنگاه چشمان هر دو باز شد و ناگهان متوجه برهنجی خود شده، احساس شرم کردند. پس با برگهای درخت انجیر پوششی برای خود درست کردند." (پیدایش ۳: ۷ قدیم). عیسی تمام این شکنجه ها را با خاطر ما متحمل شد .... تا ما اینگونه شکنجه نشویم...." بنابر این، به تو نصیحت می کنم که از من طلای ناب را بخری، طلایی که با آتش تصفیه شده است، تا ثروت واقعی را به دست آوری. از من لباس سفید و پاک را بخر و بپوش تا برهنه و شرمسار نباشی. از من دارو بخر و به چشمانت بمال تا بینا شوی." (مکافتفه ۳: ۱۸ معاصر).

**ثروت واقعی (طلای ناب)** کجاست ....؟ در تماس دائم ما با روح القدس که درون خود داریم. در دعا .... چشم بسته یا باز .... او همیشه در حال حرف زدن با ماست .... و هر برداشتی که از بیرون خود داریم را با معیار خدا می سنجد .... و ما را از مفید بودن یا نبودن آن مطلع می سازد .... "«همه چیز جایز است» - اما همه چیز مفید نیست. «همه چیز رواست» - اما همه چیز سازنده نیست" (اول قرنیتان ۱۰: ۲۳ هزاره). **مفید** ممکن است برای دیگری مفید باشد .... اما اگر روح القدس در ما قبول نداشته باشد .... به ضرر ما خواهد بود.

حال چرا خرقه ای ارغوانی بر او پوشاندند ....؟ عبا یا خرقه ای ارغوانی را پادشاهان آن زمان به نشانه حاکمیت بر مردم به تن می کردند. اشعیا راجع به او می گوید .... "این کیست که از بصره ادوم می آید؟ این کیست که در لباسی باشکوه و سرخ رنگ، با قدرت و اقتدار گام بر زمین می نهد؟ «این منم، خداوند، که نجاتتان را اعلام می کنم! این منم که قدرت دارم نجات دهم»." (اشعیا ۶۳: ۱ قدیم). قدرت نجات عیسی را اشعیا ۷۴۰ سال قبل از تولد عیسی بیان کرده بود. روح القدس در زمان قدیم نیز اینگونه کار می کرد. وقتی آفرینش را از خدا می بینیم .... روح القدس را در کار نیز باید ببینیم. خواست اوست که باید صورت بگیرد. از ما آغاز می شود. خدا گفته باید بخواهیم، بکوییم، و بجوئیم .... (۳ب)... تا آنچه نیاز داریم را بدست آوریم. منظور صحبت از تلash و پایداری .... در همه مراحل (۳ب) .... از خواستن تا بدست آوردن .... باید انجام گردد تا بر شیطان پیروز گردد. مشکل مبارزه ایست که شیطان از خود نشان می

دهد. اما روح القدس از او قویتر است .... البته در صورتی که از حمایت ما (۳ب) .... تا به آخر .... برخوردار بوده باشد.

از کجا باید بخواهیم، بکوبیم، و بجوئیم.... (۳ب)? .... از کلیسا. خادمین کلیسا مثل ما .... محدود به زندگی در این دنیا از جلال افتاده نیز می باشند.... و اگر در آنها ۳ب را انجام ندهیم .... امیدی برای بدست آوردن رانمی توانیم داشته باشیم.

کلیسا است که مسئول اجرای خواست خدا در اعضاش می باشد. بشارت برای نجات مردم ... و مشاوره مسیحی برای تقدیس آنها. بشارت بجای خود .... ولی مشاوره مسیحی انجام نمی گیرد. اعضای کلیسا هر یک باید آیاتی که مورد نیازشان هست را آزمایش کنند .... و تصحیح و هدایت خود را .... از جانب خادمین دریافت نمایند. همه در ابتدای کار ممکن است برداشت اشتباهی را داشته باشند. خادمینی که آموزش کاربرد کلام را دارند، بهتر می توانند اشتباهات را در محدوده کلام خدا بررسی نمایند. هر چه اینگونه برداشت .... تحت نظارت خادمین کلیسا .... صورت بگیرد .... به نفع کلیسا و خادمین آن خواهد بود.

ابتدا باید خادمین کاربرد کلام را آموزش و پرورش داد(۱ و ۲). آیات کلام .... خوارک روح القدس می باشند.... اما تنها آنچه مربوط به نیازی که دارد را.... هضم جسم خود می نماید. آنچه هضم شده (تجربه) .... خواست خدا می باشد ... نه تنها شنیدن و دانستن آن. شنیدن و دانستن مذهب است .... و عیسی جانش را داد .... تا اینگونه زندگی نکنیم. سپس خادمی کاربرد کلام را باید به خدمت گمارد. هر موردی دو یا سه نفر مشاور را میخواهد تا آن را بررسی نمایند و برنامه بعدی را فراهم نمایند. هر یک از برداشت های فرزندان خدا .... باید با موافقت سه نفر بوده باشد ..... تا حمایت عیسی را داشته باشد. در نتیجه ابتدا .... کشیش و دو مایل به خدمت مشاوره .... باید آموزش لازم جنبه عملی کلام خدا را .... بدست آورند. کاربرد کلام ... نیاز به خادمین دعا و پرستش کلیسا را نیز دارد. میان هفته .... زمانی که فرزند خدا در حال آزمایش آیات می باشد (جنگ روحانی) .... این خادمین او را ساکن در روح القدس می نمایند .... تا شیطان از فرصت استفاده نکند.

۲۹: و تاجی از خار بافتند و بر سرش نهادند و چوبی به دست راست او دادند.

آنگاه در برابر زانو زده، استهزأکنان می گفتند: «درود بر پادشاه یهود!»

سربازان پیلاتس، عیسی را به صحن کاخ والی برند و همه گروه سربازان گرد او جمع شدند.

**تاجی از خار بافتند.** کیست که اینگونه فکر می کند که تاجی از خار را **ببافد** و بر سر کسی بگذارد؟ کسی که در راه خشنونت تشویق شده .... و دست به این کار زده. این اشخاص حکمتی از خود نداشتند .... و هر چه شایعه می شد را می پذیرفتند. نجات ما شامل .... گشايش چشم دل ماست .... و آنچه پشت پرده است را می بینیم. اغفال نمی شویم .... چرا....؟ چون دائمآ در تماس با روح القدس هستیم. بعضی مواقع باید بخاطر تماس با او نیز ۳ب را در دعا انجام رسانیم. فراموش نکنیم که از همان ابتدا تا به آخر .... شیطان سعی می کند جلوی پیشرفت ما

را بگیرد. اما وقتی ابتدا .... چشم بسته حضور او را می طلبیم .... سپس با چشم باز می توانیم شاهد حضور او نیز بشویم. تماس با درون دل است که شخصیت ما را برای خودمان آشکار می نماید. باید ابتدا با دل خود صحبت کنیم .... تا بتوانیم کمبود های خود را بشناسیم. دنیای از جلال افتاده نمی داند درد کجاست .... چه رسید به آنکه دوای آن چیست.

حالا چرا تاجی از خار ...؟ خار جسمی بود لعنت شده ...." و به آدم فرمود: «تو به حرف زنت گوش دادی و میوه ای را که به تو گفته بودم نخوری، خوردی. به خاطر این کار، زمین لعنت شد و تو باید در تمام مدت زندگی با سختی کار کنی تا از زمین خوراک به دست بیاوری. زمین خار و علفهای هرزه خواهد رویانید و تو گیاهان صحراء را خواهی خورد" (پیدایش ۳: ۱۷ و ۱۸ مژده).

اینگونه رنج ها را کشید تا ما را با آفریدگارمان آشنا سازد. اما نه آن شناختی که باعث .... زمین خار و علفهای هرزه خواهد رویانید و تو گیاهان صحراء را خواهی خورد. ما همه شناختی از "مذهب" در زندگی گذشته خود داشته ایم .... و آنچه به خورد مامی دادند .... علفهای هرزه و گیاهان صحراء بود....!

اما حال به ما می گویند.... مذهب ما مسیحی است .... چون مسیحی هستیم!  
برادر و خواهر مسیحی .... از این پس .... اگر کسی شمارا مسیحی خواند .... از او بپرسید چرا....؟ گوشزد کنید که مسیحی مذهب نیست .... بلکه رابطه شخصی با عیسی است. عیسی بخاطر مخالفت با مذهب .... به دنیا آمد .... و جانش را بخاطر نجات از مذهب .... فدا نمود. عیسی رابطه را با دادن روح القدس آغاز کرد.... و تا پایان عمر .... با بکار بردن کلامی که خوانده و تجربه شده ... ما را خدآگانه می سازد.

کلام خدا دو نوع اعتبار دارد --- (۱) اعتبار فکری .... (۲) اعتبار تجربی. ابتدا باید اعتبار فکری بوده باشد تا تجربه عملی گردد(ضمیمه ۱). زمانی که نیازی را حس می کنیم .... زمانیست که روح القدس ضعی که جلوی کار خدا را در ما گرفته .... می خواهد از میان بردارد. از طریق حذف یکایک ضعف هایمان است .... که شباهت عیسی را بدست می آوریم. مسئله یا مشکلی پیش می آید .... نمی دانیم چکار باید بکنیم. روح القدس در دسترس ماست. اما .... روح القدس تنها کلامش را می شناسد .... نه نظر خودمان یا نظر کسان دیگر. وقتی نیاز به کمک داریم .... سراغ کلیسا می رویم. چرا ...؟ چون کلیسا است که عیسی در آن حضور دارد ... "زیرا هرجا که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من آنجا در میان آنان هستم."(متی ۱۸: ۲۰ مژده).

روح القدس چه می گوید ....؟ او مشتاق دریافت آیات مربوط بخودش است. یکایک آنچه می گوید را کمال شادی بیانگاریم .... چون روح القدس از طریق آزمایش همین آیات .... آنچه لازم داریم را دریافت خواهد کرد. اما (یاد آوری) .... آزمایش خدا.... تنها با شراکت دو یا سه نفر .... امکان پذیر است. در نتیجه .... اعضاء را باید دعوت کرد تا نیاز هایشان را .... به کلیسا ورزند .... تا روح القدس از طریق کلامش .... جواب لازم - حل مسئله - شباهت به عیسی .... هر موردی که باشد ..... برداشت لازم را بدست آورد. روح القدس کارش همین است .... و به

همین خاطر باید با او روزانه راه برویم .... تا آنچه از او می شنویم را ... با بکار بردن ۳ ب (بخواهید.. بکویید.. بجؤئید) در کلیسا ... اجرا نمائیم.

از مشروع می شود. خدا می گوید ... اگر ۳ ب را انجام ندهیم ... دریافت نخواهیم کرد. مشکل از کلیسا نیست .... مشکل از ماست .... اعضای کلیساست .... که رابطه درستی با خدا نداریم. نمی خواهیم .... چه رسد به کوییدن و جوئیدن. خدا کلیسا را به ما داده .... تا ما را در راه تقدیس .... یعنی تجربه شخصی از کلام .... هدایت و حمایت کند. اما اگر ۳ ب را .... انجام ندهیم .... دریافت نخواهیم کرد. شیطان است که جلوی پیشرفت روح القدس را در ما می گیرد. اگر بخواهیم به جائی بررسیم که با حضور دو یا سه نفر .... آیات کلام را در خود آزمایش کنیم .... قبلاً لازم خواهد بود .... ۳ ب را در کلیسا انجام رسانیم.

بعضی از فرزندان خدا .... نیاز هایشان را در دعا به درگاه خدا می برند ..... و همان جا می گذارند بماند. می گویند به هر صورت خداست که باید جواب دهد. اما مگر همین کار را مذهبیون نیز انجام نمی دهند. روز و شب دعا می کنند .... و بدون دریافت چیزی .... به زندگی ادامه می دهند.

چرا ....؟ چون راه دریافت را نیافته اند. کلام را مثل انتشارات دیگر می خوانند ..... و درک می کنند که مربوط به زندگیست .... ولی چیزی نمی گذرد که فراموش می کنند و مطالب دیگری را درک می کنند. چرا ....؟ چون از قصد تجربه نکرده اند. از قصد .... مقصودی را .... منظوری را دارد. مقصود چیست ...؟ همین حال تجربه کردن است. نگذاریم برای فردا .... تا کارهای دیگر .... حواس مارا از فرصت ایجاد شده .... منحرف سازد.... "اگر عصبانی شدید، نگذارید خشمنان شما را به گناه بکشاند و یا تا غروب آفتاب باقی بماند. به ابلیس فرصت ندهید" (افسیان ۴: ۲۶ و ۲۷ مژده). به این عبارت ... اگر بگذارید .... تا غروب آفتاب باقی بماند. به ابلیس فرصت .... داده اید. آن لحظه که روح القدس .... الهام وجود مسئله یا نیازی را بما می دهد .... لحظه ایست که باید دست به کار شد. با کلیسا باید قرار ملاقات گذاشت. **نگذارید** .... تا غروب آفتاب باقی بماند. چرا ....؟ چون به ابلیس فرصت داده ایم خراب کاری کند. باز نده از خود قبول کرده ایم. بدینختی را پذیرفته ایم. شیطان دست بردار نیست. اما یادمان باشد .... آنچه در خالق است .... بر مخلوق اقتدار بیشتری دارد.

حیات انسان .... هر نوعی که بشناسیم .... با ارزش است .... و همه سعی دارند آن را حفظ نمایند. چرا سعی می کنند حفظ کنند ...؟ چون شیطان نمی گذارد. از کجا می دانیم ...؟ "آنگاه صدایی بلند در آسمان شنیدم که می گفت: «اکنون نجات و قدرت و سلطنت خدای ما رسیده است و مسیح او قدرت را به دست گرفته است و کسی که مدعی ایمانداران بود و شب و روز آنان را در برابر خدای ما متهم می ساخت»، از آسمان بیرون رانده شده است" (مکافه ۱۲: ۱۰ مژده). برای آنکه مسیح او قدرت را به دست گرفته .... از آسمان و او نیز .... بیرون رانده شده است. چگونه ....؟ با آزمایش آیات مربوط به نیازی که دارد. آیات کلام است که نیاز ما را برآورده می نماید. روح القدس آنچه نیاز داریم را تنها از طریق کلام برآورده می نماید. اما خدا گفته این کار ما نیست. پس چه بهتر که نیازمان را .... به کلیسا بسپاریم .... و بخواهیم آزمایش مورد نیاز ما را هدایت و حمایت کنند. گفتم ... باید ۳ ب را در تمام لحظات .... از آغاز تا آنکه

بدست بیاوریم را --- با پایداری ادامه دهیم .... "اما بگذارید پایداری کار خود را به کمال رساند تا بالغ و کامل شوید و چیزی کم نداشته باشد" (یعقوب ۱: ۴ هزاره). یعنی اگر پایداری در راه خدا را انجام ندهیم چه خواهد شد...؟ کار خود را به کمال .... نخواهد رساند. برداشت فرزند خدا از کلامش است .... و هر فرزند وقت خود را لازم دارد تا برداشت نماید. یکی ممکن است همان روز دریافت نماید .... و یکی ماه ها طول بکشد. اشکالی در طول کشیدن برداشت فرزند خدا نیست. اگر اینگونه بخواهیم فکر کنیم که چه کسی بیشتر از دیگری گناه کار است .... محبت خدارا محزون کرده ایم. "زیرا خدا پسر خود را به جهان نفرستاد که جهانیان را محکوم نماید بلکه تا آنان را نجات بخشد" (یوحنا ۳: ۱۷ مژده). محکومیت ... موروث

ی است. انسان مرگ را به ارث برده است .... از آدم و حوا. اشکالات زندگی ما .... هم به ارث برده شده .... و هم ناخواسته خود به آن اضافه نموده ایم. خدا را شکر که روح القدس حامی ماست .... و تنها لازم است .... در خصوص نیازی که به ما الهام نموده .... به کلیسا رجوع نمائیم.

روح القدس مانند .... رودخانه پر جلالی است .... که وقتی آیه مورد نیازش وارد جریانش می شود ... میوه ایست که همیشه در ما جریان خواهد داشت. قسمتی از ساختمانیست که خدا در حال ساختن آن می باشد. روح القدس نیاز های ساختمان ما را نشان می دهد .... و از طریق برداشت از کلامش .... ساختمان ما را تکمیل می نماید.

راه دیگری که شیطان جلوی کار روح القدس را در ما می گیرد .... خجالت یا ترس از آشکار شدن ضعف یا گناهان ماست. چرا....؟ خجالت می کشیم به کسی بگوئیم گناه کرده ایم. می ترسیم به ما صدمه وارد گردد. البته اگر آن کس .... مطابق با کلام خدا هدایت نمی شود .... خجالت و ترس عذر موجه می باشند.

خدمی که هر مطلوبی را .... در محور تنگ و باریک کلام خدا .... مورد رسیدگی قرار بدهد .... اعتبار لازم را خدا به او می دهد. خدا می خواهد نیازمند از طریق کلامش .... نیازش را به دست آورد .... نه برداشتی که از خادمین بدست می آورد. خادمین کلیسا (دو یا سه نفر) برداشت های کلام را .... در محور تنگ و باریک .... بررسی می کنند .... و اشکال و کمبود هارا نیز .... بر طبق همان محور تنگ و باریک ..... باید جبران نمایند. منظور نیازی است که باید از طریق کلام شناخته شود .... و آیاتی که مربوط به آن می باشند را .... مورد آزمایش نیازمند .... قرار داد. برداشت از نیازمند است .... و هدایت و حمایت .... از خادمین.

### ۳۰: و بر او آب دهان انداخته، چوب را از دستش می گرفتند و بر سرش می زند.

چوب بدست او داده بودند....! تعجب کرده بودیم چرا .... تا این که در اینجا فهمیدیم برای چه بود. بله.... ابزار شکنجه را بدست او دادند تا هر که خسته نشده .... بر سر و رویش بزند. تلافی تمام درد و رنج های خود را .... سر عیسی آورند. هر یک یوغ خود را حمل می نمودند .... "یوغ مرا بر دوش گیرید و از من تعلیم یابید، زیرا حلیم و افتاده دل هستم، و در جانهای

**خویش آسایش خواهید یافت.**" (متی ۱۱: ۲۹ هزاره). حال می بینیم عیسی چه کشید برای ما شاهد سقوط سلطنت شیطان نیز می شویم .... و می بینیم که دیگر ترسی نداریم ...! اگر روح القدس .... حیات ما را در دست خود گرفته .... ضمانت حیات بهشتی را .... بما می دهد. اما روح القدس از ما می خواهد از ابتدا تا دست یابی .... ۳ ب را انجام برسانیم. چرا ....؟ آفرین .... چون ما هستیم که باید دریافت کنیم .... و اگر به آنچه روح القدس می گوید .... اهمیت ندهیم .... شیطان از شکستی که وارد می سازد .... سو استقاده نیز خواهد کرد. اگر اهمیت ندهیم ... ما را مایوس خواهد کرد. بار ها شکست خورده ایم و .... این هم چاشنی آن ....! خیر .... قابل قبول نیست.

اگر خیال مرگ و بدختی را نداریم .... آنچه کلام می گوید اینست .... "بنابر این، امید خود را از دست نمی دهیم. اگرچه وجود ظاهری ما رفته از بین می رود، وجود باطنی ما روز به روز تازه تر می گردد. و این رنج و زحمت ناچیز و زودگذر، جلال عظیم و بی پایانی را که غیر قابل مقایسه است برای ما فراهم می کند و در ضمن، ما به چیز های نادیدنی چشم دوخته ایم نه به چیز های دیدنی، زیرا آنچه به چشم می آید موقتی است، ولی چیز های نادیدنی تا ابد پایدارند" (دوم قرنیان ۴: ۱۶ تا ۱۸ مژده). می گوید .... این رنج و زحمت ناچیز و زودگذر را .... به حساب یوغ من بگذارید. بر یوغ خود مگذارید. آنکه حال در ماست .... از آنکه از قدیم در ما بوده .... قویتر است. اما .... ما هستیم که باید دریافت کنیم .... و چاره جز اطاعت از آنچه روح القدس امر می کند نداریم.

روح القدس .... دکتر ماست .... و کلام خدا .... داروی ما. او آنچه نیاز داریم را با آزمایش آیات مربوط .... از کلام بدست می آورد. روح القدس کلام خدا را نوشته .... ولی .... آنچه مربوط به نیاز ما می شود .... روح القدس درون ما باید آزمایش کند .... تا برداشت نماید. و چون خود نباید دست به این کار بزنیم .... به کلیسا پناه می آوریم. دو یا سه نفر باید برداشت های ما را در محور فکری و عملی مکتب خدا سرپرستی نمایند .... تا برداشت ناصحیحی ... خدا نکرده .... بدست نیاوریم. شیطان است که در چنین موقع دنبال فرصت می گردد .... و حضور این سه نفر .... موازنه را به سود عیسی می گرداند.

**۳۱: پس از آنکه او را استهزا کردند، خرقه از تنش به در آورده، جامه خودش را بر او پوشاندند. سپس وی را بیرون بردند تا بر صلیبش کشند.**

اول لازم بود او را **استهزا** (مسخره) کند .... بعد اعدامش کند....! تا فرصت هست .... هر چه درد و عقده داریم را بر سر او خالی کنیم .... چون پس از اعدام دیگر دیر شده ...! البته **خرقه از تنش به در آوردن** .... چون لباس با ارزشی بود .... و حیف بود به صلیب کشیده می شد ....! این گونه رفتار .... انسانیست یا حیوانی؟ ضد بشریست.... خدا به آن می گوید گناه متاسفانه گناه جنبه محکوم بودن را نیز همراه خود دارد (گناه کار). این باعث می شود (گناه کار) گناهش را پنهان کند تا محکوم نشود. از طرفی نیز مطمئن نیست کلیسا بتواند گناه او را برطرف نماید. در نتیجه ... فرزند خدا را می بینیم که روح القدس درون او محزون شده .... و

فرزندی که به کلیسا سپرده شده .... در حال سقوط بسر می برد. یادمان باشد که تنها دو روح در ما ساکن است .... و بر ماست که جانب روح خدا را نگاه بداریم.

وقتی گناه یا اشکالی پیش می آید .... امکانیست .... برای دریافت خصوصیات بهشتی. به همین خاطر است که خدا می گوید .... "ای برادران من، هر گاه با آزمایش‌های گوناگون روبه رو می شوید، آن را کمال شادی بینگارید!" (یعقوب ۱: ۲ هزاره). چون درب دیگری به روی ما باز شده ..... تا از کلامش .... بهره بیریم. کلامش ما را با مرور زمان از طریق همان آزمایش‌ها .... شبیه به عیسی می نماید. شباخت عیسی را بدست آوردن نیز اصل مطلب است. نباید فراموش کنیم که پس از مرگ .... هر یک از ما مورد قضاوت عیسی قرار می گیریم ..... و نصف تعداد ایمانداران به جهنم می روند..."اما او جواب داد: "براستی به شما می گویم، من **شما را نمی شناسم!** (متی ۲۵: ۲۱ قدمی).

## متی ۲۷ (هزاره)

۱

۳۲: هنگامی که بیرون می رفتد،

به مردی از اهالی قیروان به نام شمعون برخورند  
و او را واداشتند صلیب عیسی را حمل کند.

۳۳: چون به مکانی به نام جلتا، که به معنی مکان جمجمه است،  
رسیدند،

۳۴: به عیسی شراب آمیخته به زرداب دادند.  
چون آن را چشید، نخواست بنوشد.

۳۵: هنگامی که او را بر صلیب کشیدند،  
برای تقسیم جامه هایش، میان خود قرعه انداختند

۳۶: و در آنجا به نگهبانی او نشستند.

۳۷: نیز، تقصیرنامه ای بدین عبارت بر لوحی نوشتد  
و آن را بر بالای سر او نصب کردند:  
«این است عیسی، پادشاه یهود.»

۳۸: دو راهزن نیز با وی بر صلیب شدند،  
یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ او.

۳۹: رهگذران سرهای خود را تکان داده، ناسزاگویان  
۴۰: می گفتند: «ای تو که می خواستی معبد را ویران کنی  
و سه روزه آن را باز بسازی،

خود را نجات ده!

اگر پسر خدایی از صلیب فرود بیا!»

۴۱: سران کاهنان و علمای دین و مشایخ نیز استهزايش کرده،  
می گفتند:

۴۲: دیگران را نجات داد، اما خود را نمی تواند نجات دهد!  
اگر پادشاه اسرائیل است،

اکنون از صلیب پایین بیاید  
تا به او ایمان آوریم.

۴۳: او به خدا توکل دارد؛ پس اگر خدا دوستش می دارد،  
اکنون او را نجات دهد،

زیرا ادعا می کرد پسر خداست!»

۴۴: آن دو راهزن نیز که با وی بر صلیب شده بودند

**۳۲: هنگامی که بیرون می رفتند، به مردی از اهالی قیروان به نام شمعون برخوردند و او را واداشتند صلیب عیسی را حمل کند.**

عیسی صلیب خود را تا حدودی توانست حمل کند. اما با خاطر جراحتهایی که داشت ... نتوانست تا جلجتا ادامه دهد. سربازان دیدند که عیسی بی حال شده .... او را معاف کردند و شمعون را مجبور به حمل صلیب کردند. بیاد کلام می افتخیم که می گوید .... "هیچ آزمایشی بر شما نیامده که مناسب بشر نباشد. و خدا امین است؛ او اجازه نمی دهد بیش از توان خود آزموده شوید، بلکه همراه آزمایش راه گریزی نیز فراهم می سازد تا تاب تحملش را داشته باشید." (اول فرنتیان ۱۰: ۱۳ هزاره).

توجه کنید که می گوید .... هیچ آزمایشی (مسئله - مشکل - نیاز) .... بر ما نیامده .... که مناسب ما نباشد. اگر خدا آن را مناسب دانسته .... پس می توانیم آن را کمال شادی بینگاریم. عیسی صلیش را بدون هیچ گونه اعتراضی حمل کرد .... چرا ....؟ چون خصوصیات لازم را در خود داشت .... "اما ثمرة روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکوبی، وفاداری، فروتنی و خویشتنداری است. هیچ شریعتی مخالف اینها نیست." (غلاطیان ۵: ۲۲ و ۲۳ هزاره). او قبلًا گفته بود .... "سپس رو به شاگردان کرد و فرمود: «اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، صلیب خویش برگیرد و از پی من بیاید." (متی ۱۶: ۲۴ هزاره).

صلیب نشانه مرگ است. اگر بخواهیم شباهت عیسی را بدست آوریم .... آنچه از قدیم مانده را می کشیم ... و آنچه تازه از کلام است .... بخود می افزاییم. "شما آموختید که باید به لحاظ شیوه زندگی پیشین خود، آن انسان قدیم را که تحت تأثیر امیال فریبنده دستخوش فساد بود، از تن به در آورید. باید طرز فکر شما نو شود، و انسان جدید را در بر کنید، که آفریده شده است تا در پارسایی و قدوسیت حقیقی، شبیه خدا باشد." (افسیان ۴: ۲۲ و ۲۳ هزاره). می گوید .... از تن به در آورید .... و انسان جدید را در بر کنید. چیست که باید از تن به در آوریم ....؟ آنچه باعث مسئله - ضعف - یا نیاز ما شده .... و انسان جدید را نیز .... از آیات مربوطه .... در بر کنیم.

**۳۳: چون به مکانی به نام جلجتا، که به معنی مکان جمجمه است، رسیدند،**

**۳۴: به عیسی شراب آمیخته به زرداب دادند. چون آن را چشید، نخواست بنوشد.**

عیسی را به **جلجتا** برداشتند .... مکانی که به استخوان های مردگان .... معروف بود. قبرستان شیطان بود. آنجا به عیسی شراب آمیخته به زرداب دادند. سلیمان در امثال خود نوشته بود .... "شراب را به کسانی بده که در انتظار مرگ هستند و به کام کسانی بریز که در بدختی و تلخکامی به سر می برند، تا بنوشنند و بدختی و ناکامی خود را فراموش کنند." (امثال ۳۱: ۶ و ۷ مژده). اما شیطان نظر دیگری را داشت .... بیائید شراب را .... با صفرا و زرداب معده مخلوط کنیم .... و به او بدھیم بنوشد.

دنیای از جلال افتاده پر از اینگونه جریانات است. هر چه را بخواهی .... جوانب منفی خود را نیز دارد. نامشان اثرات جانبی .... یا عوارض ثانویست. داروئی که دکتر داده را برای علاج خود استفاده می کنیم .... ولی عوارض ثانوی آن .... مارا از پای در می آورد. شفا را خدا می دهد. روح القدس آنچه نیاز داریم .... حتی داروی طبیب را .... در خود آزمایش می نماید .... و آنچه حیاتیست را هضم می کند.... و بقیه را رد می نماید. آنچه روح القدس رد می کند .... عوارض منفی را بوجود می آورند.

همه چیز در این دنیا .... یا خوب است یا بد .... یا مخلوطی از هر دو. باید همیشه بیاد داشته باشیم که .... «همه چیز جایز است» - اما همه چیز مفید نیست. «همه چیز رواست» - اما همه چیز سازنده نیست.» (اول قرنطیان ۱۰: ۲۳ هزاره). همه چیز ... جایز و رواست.... اما همه چیز .... مفید .... و سازنده نیست.... بستگی به شناخت قبلی می باشد که از آن داریم. اگر بدون اطلاع از عوارض جانبی هر چیز .... آن را برداشت نمائیم .... ضرر و زیان آن را خواهیم داشت.... مفید نیست. روح القدس است که همه چیز را در ما ... با معیار خدا می سنجد .... و آنچه مفید ... و سازنده است را .... برای ما روا می دارد.

### ٣٥: هنگامی که او را بر صلیب کشیدند، برای تقسیم جامه هایش، میان خود قرعه انداختند

### ٣٦: و در آنجا به نگهبانی او نشستند.

جامه هایش .... ارزش بیشتری از خودش داشتند .... و برای تقسیم .... میان خود قرعه انداختند. جالب است که مزمور ۲۲ .... بیش از ۹۰۰ سال قبل از عیسی .... آن را پیش بینی کرده بود .... "لبسهایم را بین خود تقسیم می کند و بر ردای من قرعه می اندازند." (مزمور ۲۲: ۱۸ مژده). منظور از پیش بینی چیست .....؟ اثبات حضور خدا .... "من خدایی هستم که در همه جا حاضر و محدود به محل خاصی نیستم. هیچ کس نمی تواند خود را از من پنهان کند تا من او را نبینم. آیا نمی دانید که من در همه جا در آسمان و زمین حضور دارم؟" (ارمیا ۲۳: ۲۳ و ۲۴ مژده). نوع پیش بینی دیگری را نیز خدا (روح القدس) .... در هر یک از ما انجام می دهد. هر آنچه برداشت می کنیم را .... چه فکری و چه جسمی .... با معیار خدا می سنجد .... و اگر رووا نیست .... بما هشدار را می دهد. اما تماس با او لازم است تا هشدار دریافت گردد. به همین خاطر پیشنهاد می شود روزمان را با دعا شروع کنیم. آنوقت می توانیم تمام روز با او همراه بشویم. مذهبیون روزانه دعا می کنند .... چون جواب دعایشان را دریافت نمی کنند. دل بی محتوایشان التماس می کند .... ولی پاسخی نمی یابد. افسوس می خوریم .... چون دقیقاً می دانیم نیازشان چیست .... ولی شیطان جلوی برداشت آنها را می گیرد. این موضوع را در متی ۱۳: ۳ تا ۹ بررسی کردیم. خدا را باید برای خادمینی که در اول جبهه .... با شیطان مبارزه می کنند .... سپاس گفت .... چون صبرشان بی نهایت است.

۳۷: نیز، تقصیرنامه ای بین عبارت بر لوحی نوشتند و آن را بر بالای سر او نصب کردند: «این است عیسی، پادشاه یهود.»

۳۸: دو راهزن نیز با وی بر صلیب شدند، یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ او.

پادشاه یهود را اینگونه معرفی کردند. یوحنان می گوید .... "بنابراین، سران کاهنان یهود به پیلاطس گفتند: «ننویس پادشاه یهود، بنویس او ادعا می کرد که پادشاه یهود است.» پیلاطس پاسخ داد: «هرچه نوشتم، نوشتم.» "یوحنان ۱۹: ۲۱ و ۲۲ مژده). خدا از بی ایمانان نیز استفاده می کند .... تا خواست خودش را انجام رساند. هر چه بر سر عیسی آمد .... طبق برنامه خدا بود .... و باید انجام می گردید. به همین دلیل است که نجات را بدت آورده ایم. او مرد و زنده شد .... تا ما که مرده بودیم .... مثل او زنده شویم. لوقا می گوید... "همگی گفتند: «پس آیا تو پسر خدایی؟» در پاسخ گفت: «شما خود گفته که هستم.»" (لوقا ۲۲: ۷۰ هزاره). اگر نبودم که چنین سوالی نمی کردید! اما اگر می خواهید مطمئن بشوید .... لازم است مرا بشناسید.

دو راهزن نیز با وی بر صلیب شدند. راهزنی .... در آن زمان گسترشده بود .... و حال بنظر می رسد شکل های مختلفی در دنیا پیدا کرده است. البته منظور از آنکه با وی بر صلیب شدند .... این بود که حکومیت هر سه را .... برابر هم نشان بدھند. عجله نیز در کار بود .... صبح تصمیم گرفتند ... عصر اجرا کردند.

۳۹: رهگذران سرهای خود را تکان داده، ناسزاگویان

۴۰: می گفتند: «ای تو که می خواستی معبد را ویران کنی و سه روزه آن را باز بسازی، خود را نجات ده! اگر پسر خدایی از صلیب فرود بیا!»

باید اینطور گفت .... ای تو که می خواستی ..... خجالت بکش که آبرویت رفته است. همه دارند تو را مسخره می کنند .... نمی بینی....! انتظار خجالت کشیدن او را داشتند. با ما نیز چنین رفتار ها می شود .... چون برداشت از آنچه می گوئیم نکرده اند .... با ما مخالفت می کنند که ما را شکست یا خجالت زده نمایند.

آنچه کلام در این رابطه می گوید اینست ... "بدانید که جنگ ما با انسان ها نیست، انسانهایی که گوشت و خون دارند؛ بلکه ما با موجودات نامرئی می جنگیم که بر دنیای نامرئی حکومت می کنند، یعنی بر موجودات شیطانی و فرمانروایان شرور تاریکی. بله، جنگ ما با اینها است، با لشکرهایی از ارواح شرور که در دنیای ارواح زندگی می کنند." (افسیان ۶: ۱۲ قدمی).

می گوید .... بدانید .... که جنگ ما با انسان ها نیست. بحث و جدال انسانی است و در خدا نیست .... "باز تکرار می کنم: خود را درگیر بحث های پوچ و بی معنی نکن، چون این گونه بحث ها باعث خشم و نزاع می گردد. مرد خدا نباید اهل مجادله و دعوا باشد، بلکه باید با صبر و ملایمت، کسانی را که در اشتباهند، به راه راست هدایت کند. مخالفان را باید با ملایمت و

نرم خوبی راهنمایی نماید، به این امید که خدا به ایشان توبه عنایت فرماید تا به شناخت حقیقت  
برسند،" (دوم تیموتاوس ۲: ۲۳ تا ۲۵ معاصر).

اگر امروز از ما بپرسند .... اگر پسر خدا بود .... چرا از صلیب فرود نیامد.... می توان گفت  
فرود آمد .... درون دل هایمان.

#### ٤١: سران کاهنان و علمای دین و مشایخ نیز استهزایش کرده، می گفتد:

سران کاهنان و علمای دین و مشایخ همه دور هم جمع شدند تا در جشنی که شیطان برپا کرده  
شرکت کنند. دل پری که از زندگی دارند را بتوانند خالی کنند. تنها ما نیستیم که در این دنیای  
از جلال افتاده زندگی می کنیم و درد سر های آن را داریم. ما ... کسی را داریم که یوغ زندگی  
ما را .... بر دوش خود می گیرد ..... اما این بد بخت و استهزا (مسخره) کنندگان چی....؟  
کیست که به داد اینها برسد....؟ بجز ما .... چه امیدی برایشان باقیست؟ ما نیز روزی مثل این  
افراد در بند شیطان بودیم .... و ایمانداری .... عیسی مسیح را بما معرفی کرد و نجات یافتیم.  
اگر آن ایماندار نبود .... چه می شد ....؟ مثل این بد بخت می ماندیم.

٤٢: دیگران را نجات داد، اما خود را نمی تواند نجات دهد! اگر پادشاه اسرائیل  
است، اکنون از صلیب پایین بیاید تا به او ایمان آوریم.

٤٣: او به خدا توکل دارد؛ پس اگر خدا دوستش می دارد، اکنون او را نجات  
دهد، زیرا ادعا می کرد پسر خداست!»

٤٤: آن دو راهزن نیز که با وی بر صلیب شده بودند، به همین سان به او اهانت  
می کردند.

اینجا شاهد برداشت های مختلفی می باشیم .... که سر چشمہ از .... محزون بودن روح القدس  
.... می باشد. روح القدس در همه هست .... "آنگاه یهوه خدا آدم را از خاک زمین بسرشت و  
در بینی او نفس حیات دمید و آدم موجودی زنده شد." (پیدایش ۲: ۷ هزاره). "زیرا روح خدا مرا  
آفریده است و نفس قادر مطلق به من زندگی بخشیده است." (ایوب ۳۳: ۴ قدیم).

همه نیز می گویند مخلوق خدا هستند .... ولی کدام خدا ...! چه فایده از او برده اند ... تنها  
خدایشان می داند! و خدایشان مخالف .... خالق خود می باشد! با تمام قوت می جنگد... اما توجه  
ندارد ... خالق ... از مخلوق... قویتر است. ممکن است بنظر برسد فرزند خدا شکست خورده  
(یا خودش فکر کند شکست خورده) ...اما ضرب المثل می گوید...جوچه ها را آخر پائیز می  
شمارند..."ما می دانیم همه چیز برای خیریت آنانی که خدا را دوست دارند و به حسب اراده او  
خوانده شده اند، با هم در کارند" (رومیان ۸: ۲۸ مژده).

روح القدس درون ما ... مانند صافی روحانی عمل می کند ... و هر چه مورد توجه ما قرار  
می گیرد را طبق معیار خدا می سنجد ... و آنچه مفید است را مجاز می شمارد. اما ... همه در  
صورتی امکان پذیر است که تماس روزانه را با او داشته باشیم ... تا بدانیم چیست که مفید

شمرده شده ... و چیست که زیان بار است. کافی است زمان کوتاهی را در دعا با او در تماس باشیم ... تا قدرت لازم انجام هر چه مصلحت شمرده ... را بدست آوریم. احساس در کار نیست ... ابتدا ایمان ... و سپس اطاعت از آنچه روح القدس مورد نیاز قرار داده ... خواست خدا از ماست. احساس پس از هضم روحانی ... موافق با آن می شود ... نه با فکر و اندیشه. ما سهم خود را با دعا ... ۳ب را انجام می رسانیم ... و درون دل ما روح القدس جراحی لازم را (شفا) انجام می رساند. روح القدس درون دل ماست ... که قدرت انجام آنچه خشنودش می سازد را می دهد ... "زیرا خداست که با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش می سازد، در شما پدید می آورد" (فیلیپیان ۲: ۱۳ هزاره). هم تصمیم و هم قدرت انجام را می دهد ... اما در صورتی که ...؟ با او آشنا شده باشیم. هر چه در دل داریم ... دارد دل یا سپاس ... در دعاست که میسر واقع می شود.

ما روح القدس را حس نمی کنیم ... اما با اطمینان و توکل به او ... هدایت می شویم. حال که خدا درون ماست ... هر لحظه را در روح سپری می کنیم ... و از مزایای وجود او بهره می بریم ... "ای جان من، خداوند را متبارک بخوان و هیچ یک از همه احسانهاش را فراموش مکن!" (مزمور ۱۰۳: ۲ هزاره).

هیچ یک از همه احسانهاش را فراموش مکن ... یعنی چه ...؟ یعنی تجربیاتی که تا حال از او داشته ایم. همه را روح القدس انجام رساند. و می خواهد ... تا زنده ایم ... خواست خدا را اتمام رساند... "و انسان جدید را در بر کرده اید، که در معرفت حقیقی هر آن نو می شود تا به صورت آفریننده خویش درآید." (کولسیان ۳: ۱۰ هزاره). هر آن نو می شود ... تا به صورت آفریننده خویش درآید.

## متى (۲۷ هزاره)

- ۴۵: از ساعت ششم تا نهم، تاریکی تمامی آن سرزمین را فرا گرفت.
- ۴۶: نزدیک ساعت نهم، عیسی با صدای بلند فریاد برآورد: «ایلی، ایلی، لما سبقتنی؟»
- یعنی «ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا واگذاشتی؟».
- ۴۷: برخی از حاضران چون این را شنیدند، گفتند: «ایلیا را می خواند».
- ۴۸: یکی از آنان بی درنگ دوید و اسفنجی آورده،  
آن را از شراب ترشیده پر کرد  
و بر سر چوبی نهاد و پیش دهان عیسی برد تا بنوشد.
- ۴۹: اما بقیه گفتند: «او را به حال خود واگذار تا ببینیم آیا ایلیا به نجاتش می آید؟
- ۵۰: عیسی بار دیگر به بانگ بلند فریادی برآورد و روح خود را تسلیم نمود.
- ۵۱: در همان دم، پرده معبد از بالا تا پایین دو پاره شد.  
زمین لرزید و سنگها شکافته گردید
- ۵۲: قبرها گشوده شد و بدنها بسیاری از مقدسین که آرمیده بودند، برخاستند.
- ۵۳: آنها از قبرها به در آمدند و پس از رستاخیز عیسی،  
به شهر مقدس رفتد و خود را به شمار بسیاری از مردم نمایان ساختند.
- ۵۴: چون فرمانده سربازان و نفراتش که مامور نگهبانی از عیسی بودند،  
زمین لرزه و همه این رویدادها را مشاهده کردند،  
سخت هراسان شده، گفتند: «براستی او پسر خدا بود».
- ۵۵: بسیاری از زنان نیز در آنجا حضور داشتند و از دور نظاره می کردند.  
آنان از جلیل از پی عیسی روانه شده بودند تا او را خدمت کنند.
- ۵۶: در میان آنها مریم مجده و مریم مادر یعقوب و یوسف،  
و نیز مادر پسران زبده بودند.

- ۴۵: از ساعت ششم تا نهم، تاریکی تمامی آن سرزمین را فرا گرفت.
- ۴۶: نزدیک ساعت نهم، عیسی با صدای بلند فریاد برآورد: «ایلی، ایلی، لما سبقتنی؟»
- یعنی «ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا واگذاشتی؟».

**تاریکی تمامی آن سرزمین را فرا گرفت... بنظر اخم آسمان ... نسبت به آنچه اتفاق افتاده می باشد. در حقیقت خسوف ماه بود که بطور شگفت انگیزی ... مدت سه ساعت همه جا را تاریک**

کرده بود. یوئیل نبی واقعه را اینطور تعریف می کند ... "آفتاب و ماه تاریک می شوند و ستارگان نور خود را از دست می دهند. غرّش صدای خداوند از فراز کوه صهیون بر می خیزد و همچون رعد از اورشلیم فریاد می زند. آسمان و زمین به لرزه می آیند، اما خداوند پناهگاه قوم خود، اسرائیل بوده از ایشان حمایت می کند." (یوئیل ۳: ۱۵ و ۱۶ مژده). جالب است که ... تولد عیسی همراه نور شگفت انگیزی بود ... و مرگ او ... همراه تاریکی شگفت انگیزی بود. نور ... رویش را برگردانده بود. دل خدا نشناسان ... بالاخره به لرزه در آمد.

اشعیا قبلًا گفته بود ... "ای تمام خداترسان و کسانی که گفتار بندۀ او را اطاعت می کنید، راهی که شما می روید ممکن است تاریک باشد، اما به خداوند توکل نمایید، و به خدای خود اعتماد کنید." (اشعیا ۵: ۱۰ مژده). زندگی خدگانه را... در دنیای از جلال افتاده اینگونه شرح می دهد ... راهی که شما می روید ممکن است تاریک باشد ... اما به خداوند توکل نمایید.. و به خدای خود اعتماد کنید ... چون اگر اتفاقاً زمین خوردید ... "خداوند از آنانی که رضایت دارد، حمایت می کند و آنان را به راهی که باید بروند، هدایت می نماید. اگر بلغزند نخواهند افتاد، زیرا خداوند دست آنها را می گیرد." (مزمر ۳۷: ۲۳ و ۲۴ مژده).

البته در صورتی که مطیع عیسی مسیح بوده باشند... اگر موافق نیستند (با وجود آنکه ایماندار هستند) ... دست از افکار و رفتار خود بر ندارند ... خدگانگی را دریافت نخواهند کرد. ما نیز افکار و رفتارمان شبیه این افراد بود. می گفتم ایمان داریم ... ولی انجام نمی دادیم. تازه اگر انجام می دادیم نیز ... به هدر می رفت.

حال کلیسا را داریم که تشکیل از دو یا سه نفر ... و شاید بیشتر شده ... و عیسی از طریق روح القدس ... فرزندان خدا را در کلیساش خدمت می نماید. اما باید توجه داشت ... برداشت فرزند خدا را باید سنجید ... تا بتوان دنباله آنچه دریافت کرده را ادامه داد.

سنخش برداشت اعضای کلیسا اهمیت بسیاری دارد. سنخش از برداشتی است که از موعظه بُدست اورده اند. اگر آیات مربوط به موعظه را بخواهیم ... خودشان تفسیر کنند ... و بنویسند چه ربطی به آنها دارد .... آنوقت ... تماس روحانی کلیسا با فرزند خدا ایجاد می گردد ... و هر یک نیازهایشان را ... خودشان ... بر طبق کلام و زمینه سازی روح القدس(ضمیمه ۱) ... بدست می آورند. هر یک زمان کافی برای دریافت خود را باید داشته باشند. تا زمانی که دریافت نشده ... هر هفته آیات مربوطه برای آزمایش داده می شود ... تا آنکه جوابش را روح القدس بدست آورده باشد. خادمین مسئول تصحیح برداشت های فرزند خدا ... از آیات داده شده می باشند. منظور تنها حل مسئله از طریق کلام خدا نیست ... منظور ایجاد ارتباط با روح القدس درون خودشان است. حال مسائل زندگی فرزند خدا ... و برآوردن نیاز های او ... از طریق روح القدس درون او ... و آزمایش آیاتی که مربوط به اوست ... انجام می گیرد... نه علم و دانشی که کشیش دارد. رابطه سالم با کلام خدا تنها با وجود دو یا سه نفر ایجاد می گردد. حفظ محدوده تنگ و باریک کلام ... در دست کلیسا است.

عیسی با نفس آخرش گفت ... ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا واگذاشتی. تکرار کلامی است که داود در تنگنائی خود به زبان آورد ... "خدای من، خدای من! چرا مرا ترک کردی؟

چرا از من دور هستی و کمک نمی کنی و به فریادم نمی رسی؟" (مز默و ۲۲: ۱ مژده). خدا جسم او را فدا کرد تا کلام عهد قدیم ... به ثمر آید ... روح القدس او ... در ما آزاد شود ... و آفرینش جدیدی را که در ما آغاز کرده ... تا آخر عمر ثمر خود را بیاورد. یوحنای این مبارزه روحانی و جسمانی عیسی را اینگونه شرح می دهد ... "اکنون جان من مضطرب است. چه بگوییم؟ آیا بگوییم، "پدر! مرا از این ساعت رهایی ده؟"؟ اما برای همین منظور به این ساعت رسیده ام. پدر، نام خود را جلال ده!" آنگاه ندایی از آسمان در رسید که: «جلال داده ام و باز جلال خواهم داد». (یوحنای ۱۲: ۲۷ و ۲۸ هزاره). به پدر می گوید مرا از این ساعت رهایی ده ... می داند که باید بمیرد ... اما میخوب شده بر صلیب ... آنهم با یک ساعت تحمل ... مرا از این ساعت رهایی ده. جسم احساس خطر می کند ... اما برای همین منظور به این ساعت رسیده ام! کفاره باید کاملاً پرداخت شده باشد تا نجات خدا بدست آید. روح القدس باید آزاد شود ... تا نجات بدست آید. خداست که تنها می تواند خودش را بمناسن دهد... "آیا نمی دانید بدن شما معبد روح القدس است که خداوند به شما بخشیده و در شما ساکن است؟ علاوه بر این شما دیگر صاحب بدن خود نیستید، زیرا با قیمت گزافی خریده شده اید. پس بدنها خود را برای جلال خدا بکار ببرید." (اول قرنیان ۶: ۱۹ و ۲۰ مژده). می گوید ... شما دیگر صاحب بدن خود نیستید. به همین خاطر است که روح القدس کارش تغییر افکار و رفتار ماست. تغییر افکار ... باید منجر به ... تغییر رفتار بشود تا خواست خدا انجام بگیرد. تغییر افکار ... به تنهائی ... دستخوش شیطان خواهد شد. پطرس می گوید ... "مسيح شخصاً بار گناهان ما را بر دوش گرفته و آنها را بر صلیب برد تا ما هم نسبت به گناه بمیریم و برای نیکی مطلق زیست کنیم، زیرا به سبب زخمها اوست که شما شفا یافته اید." (اول پطرس ۲: ۲۴ مژده). منظور از ما هم نسبت به گناه بمیریم چیست ...؟ یعنی وقتی دچار مسئله یا مشکلی شدیم ... از کلیسا بخواهیم آزمایش آیات مربوط به ما را هدایت نماییم.

#### ۴۷: برخی از حاضران چون این را شنیدند، گفتند: «ایلیا را می خواند».

در صورتی که ایلی ... یعنی پدر ... را می خواند. عیسی از ابتدای خدمتش صحبت از پدر آسمانی کرده بود اما مردم تنها انسان را می شناسند. آنچه به ظاهر می دیدند مهم بود ... نه آنچه درون خود داشتند. میوه آورده را می دیدند ... نه آنکه میوه را آورد. البته در دادگاه هایشان سعی می کنند به عمق ماجرا پیش بروند ... اما دوای درد مجرم ... نادیده گرفته می شود. حتماً دلیلی هست که مجرم مرتکب خلاف شده. اگر اهمیت داشت ... حتماً چاره ای برای آن فراهم می گردد. آنچه معلوم است ... زندان ها پر از انسان هائی شده که باید زجر بکشند ... تا اجتماع رضایت بدست آورد. حال این بد بخت چگونه در سلوی زندان رضایت اجتماع را برآورده می کند ... خدا داند!

۴۸: یکی از آنان بی درنگ دوید و اسفنجی آورده، آن را از شراب ترشیده پر کرد و بر سر چوبی نهاد و پیش دهان عیسی برداشت بنوشد.

۴۹: اما بقیه گفتند: «او را به حال خود واگذار تا ببینیم آیا ایلیا به نجاتش می آید؟

چرا شراب ترشیده ...؟ چون شاید عیسی تشنه شده ... اینجوری هم آزارش بدیم. تمام تجربه های عیسی همان جامیست که از پدر خواسته بود به او ندهد ... «پدر، اگر ممکن نیست این جام از مقابل من برداشته شود، پس آن را می نوشم. آنچه خواست توست بشود». (متی ۲۶: ۴۲ هزاره). عیسی جسم و جانش را قبلاً فدا کرده بود ... چگونه ...؟ آنچه خواست توست بشود. از هر یک از ما نیز ... خدا چنین انتظاری را دارد... نجات یافتنیم تا مزه نجات خود را بچشمیم ... "بچشید و ببینید که خداوند نیکوست؛ خوشابه حال آن که در او پناه گیرد." (مز مر ۳۴: ۸ هزاره). **پناه گیرد** ... چه زمانیست ...؟ زمانیست که نیاز به او داریم. خدا می گوید در چنین زمانی رجوع به کلیسا نمائیم. دو یا سه نفر همفکر باید بوده باشند. صحبت از حمایت از روح القدس است ... که جریان کار را در دست دارد. جنبه هدایت و حمایت از مکتب خدادست. البته آنچه فرزند خدا از کلام برداشت می کند ... لازم است. اما ... باید در محدوده تنگ و باریک کلام ... توسط کلیسا نیز ... تایید بشود. همانگونه که غسل تعمید را کلیسا به رسمیت می شمارد... برداشت از آیات کلام را نیز می تواند به رسمیت بشمارد. مشوق خوبیست برای آنکه نیاز هایشان را به کلیسا بیاورند. ترس و خجالت جلوی آنها را گرفته. می خواهند ... ولی بدست نمی آورند ... "ما می دانیم که شریعت روحانی است؛ اما من نفسانی هستم و مانند برده ای به گناه فروخته شده ام. نمی دانم چه کار می کنم؛ زیرا آنچه را که دلم می خواهد انجام نمی دهم، بلکه برخلاف، چیزی را که از آن تنفر دارم به عمل می آورم." (رومیان ۷: ۱۴ و ۱۵ مژده).

چرا ...؟ چون تجربه لازم را از خدا نداشته. مثل بعضی که کلام را میخوانند و می شنوند ... ولی انجام نمی دهند. چرا ...؟ گول شیطان را خورده اند. ابتدا آنچه می خوانیم و می شنویم را ... در ذهن خود جسم و تصور می کنیم ... و پس از شناخت ... فکر می کنیم ... که آن را دریافت کرده ایم! این گول شیطان است. می گوید ... خودت که دیدی ... حالا برو به کارت برس. جسم فرسوده ماست که طاقت ادامه به آن ندارد. می گوید اشکالی که داری را به کسی مگو. نمی خواهیم خود را به خطر سوء استفاده قرار بدھیم.

در نتیجه ... آنچه عیسی جانش را برای آن داد ... انجام نمی گردد. روح خدا محزون می گردد... و روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختوم شده اید، محزون مسازید. (افسیان ۴: ۰ قدمی). چگونه...

روح القدس است که ... نیازی که داریم را مکشوف می نماید ... و خدا می گوید ... با بجائی آوردن ۳اب ... از کلیسا بخواهیم آزمایش های آیات ما را هدایت کنند. برداشت های روحانی ما ... طبق کلام خدا... باید تایید یک یا دو ایماندار دیگر را داشته باشد تا هضم بگردد. اگر بخواهیم آنگونه که خدا گفته عمل کنیم ... باید راهی که خدا نشان داده را پیش بگیریم. عملی است روحانی ... و خداست که می داند چگونه باید انجام بگیرد.

جسم انسان عمر کوتاهی دارد ... اما روحش ابدیست ... یا در جهنم یا در بهشت. و همه در جنهم به دنیا می‌آییم. همه با جسم فرسوده به دنیا می‌آئیم ... و زندگی جهنمی خود را با گریه آغاز می‌کنیم. تمام عمر را نیز باید زور بزنیم تا زنده بمانیم. جسم ضعیف ما تحمل ندارد. دنیای از جلال افتاده ای که در آن به دنیا آمدیم ... صاحب ما بوده ... و چون خلاف خدا عمل می‌کرده ... هر روز ... زور آزمائی می‌کردیم. آن یک لقمه نانی که دریافت می‌کردیم نیز گویا روزانه گرانتر می‌شود. مسائل شخصی ما را می‌توان بگونه ای درد و رنجی شناخت ... که عیسیٰ کشید.

اما چگونه است که یک نفر ... در مقابل هر چه به سرش آورند ... نیازی به زور زدن و مقاومت نداشت. البته یکی دو بار فریاد زد ... اما همچنان مطیع هر چه بر سرش می‌آورند ... گردید. چطور ...؟ پدر، اگر ممکن نیست این جام از مقابل من برداشته شود، پس آن را می‌نوشم. آنچه خواست توست بشود. عیسیٰ دارد می‌گوید ... روح القدس قویتر از ... جسم ماست ... و اوست که می‌تواند بر جسم مسلط گردد... "بدن خود را می‌کوبم و آن را تحت فرمان خود در می‌آورم، مباداً پس از اینکه دیگران را به مسابقه دعوت کردم، خود من از شرکت در آن محروم باشم." (اول قرنتیان ۹: ۲۷ مژده). چیست که باعث می‌شود بدن ... تحت فرمان خود درآید ...؟ اراده ... آنچه خواست توست بشود.

جسم فرسوده ما در دست شیطان است. و به همین خاطر ابتدا مخالف خواست خداست. احساسات ما ... مانند کوهیست که جلوی راه ما را می‌گیرد. و پس از ایمان ... خجالت و ترس ... مانع خواست خدا می‌گردد. کلیسا پیام را می‌رساند ... اما همانکه وارد گوش می‌شود ... از گوش دیگر خارج می‌شود. چرا ...؟ چون نیمه کار است. خدا ... هم افکار خدگانه می‌خواهد و هم رفتار خدگانه. هر موعظه لایق آنست که برداشت فرزندان خود را داشته باشد. ما مشت به هوا نمی‌کوییم. سنجش نیز از طریق آیات مصرف شده بدست می‌آید. اما ... نه آنگونه که قبلًا بود. هر آیه مربوط به او را مورد آزمایش روح القدس قرار می‌دهیم تا آنچه لازم است را بدست آورد. هر آیه نیز به قسمت‌های خود تقسیم شده و سوالات مربوط به هر قسمت باید داده شود تا محتوای آیه برایش آشکار شود. از او می‌خواهیم آیه را به زبان خود تفسیر کند ... و پس از نوشتمن تفسیر آیه ... می‌پرسیم این آیه چه ربطی به شما دارد ... و اگر ندارد ... چیست که به شما ربط دارد. البته ممکن است تمام جواب‌های دریافت شده ناقص باشند ... اما جنبه عملی کلام را پیش آورده ایم. اگر کسی بگوید هیچ ربطی به او ندارد ... بپرسید چیست که به شما ربط دارد.

هر که بخواهد راه خدا را پیش کشد ... لازم است زمینه کار روح القدس برای او فراهم شود(ضمیمه ۱). ارزیابی برداشت‌های اعضا نیز باید توسط دو یا سه نفر انجام گیرد. هر هفته می‌توان ۳ یا ۴ آیه را برای آزمایش به او داد. میان هفته نیز یک خادم دعا و یک خادم پرستش با او تماس می‌گیرند تا محیط زندگی او را در در روح القدس نگاه بدارند.

بقیه گفتند ... او را واگذار ... ببینیم آیا ایلیا به نجاتش می‌آید؟ ... ما که نجاتش نخواهیم داد ... ببینیم ایلیا نجاتش میدهد یا نه. حال متوجه فرق عظیم می‌شویم که میان ما و بی ایمانان است.

- ۵: عیسی بار دیگر به بانگ بلند فریادی برآورد و روح خود را تسلیم نمود.  
 ۵۱: در همان دم، پرده معبد از بالا تا پایین دو پاره شد. زمین لرزید و سنگها شکافته گردید.

به بانگ بلند فریادی برآورد ... آخرین حرفیست که از عیسی می شنویم ... فریاد. روحش تا آخرین لحظه با او بود ... اما جسم تحملش را نداشت. خودش گفته بود ... "بیدار بمانید و دعا کنید تا وسوسه بر شما غلبه نکند. روح تمایل دارد، اما جسم ضعیف است»"(متی ۲۶: ۴۱). روح در ما نیز... تمایل دارد. اشعیا از جانب خدا می گوید ... "من در تپه ای بی آب و علف نهرهای آب جاری خواهم ساخت، و چشمeh های آب در دشتها روان خواهد شد. من بیابانهای خشک را به برکه های آب مبدل خواهم ساخت، و زمین خشک را به چشمeh های روان."(اشعیا ۴۱: ۱۸) مژده). بله ولی این چشمeh های آب ... و برکه های آب ... خوراک لازم خود را نیاز دارند ... تا زنده بمانند. خوراک روحانی ما در آیات کلام است. هر یک نیاز به خواراک ویژه خود را داریم. پیام را می شنویم ... و سپس از جانب کلیسا آیات مربوط به پیام را دریافت می کنیم تا به سوالات مربوط به آیات جواب دهیم ... آیه را تفسیر کنیم ... و بنویسیم چه ربطی به ما دارد ... اگر ندارد چیست که به مرتبط دارد. آنچه نیاز هر یک از فرزندان خدا می باشد ... در آن زمان ... مشخص می گردد. کلام می فرماید دو یا سه نفر در کلیسا باید شاهد و هادی آزمایش روح القدس در فرزندان باشند. نیازی به برداشت شخصی خادمین ندارد ... روح القدس درون فرزند است که جوابگو باید باشد ... در نتیجه دو یا سه روح القدس باید نظارت بر پیشرفت آنچه برداشت می گردد نمایند. البته برداشت ها مختلفند و معیار سنجش برداشت های مختلف را در کتاب مکتب روحانی مشاوره مسیحی بدست می آوریم(۱).

اعضای کلیسا نمی توانند پیام را ... تنها خودشان به درستی دریافت کنند. مذهب این را ثابت کرده. در نتیجه دو یا سه خادم را لازم می باشد تا پیگیر برداشت های اعضا از پیام های هفتگی باشند(ضمیمه ۲). اقدامیست که خوشنودی خدا را همراه خواهد شد. کلیسا هائی که جنبه عملی کلام خدا را پیش گرفته اند ... سنگ بنای لازم را بدست آورده اند. مهم این نیست که اعضا چقدر می دانند ... مهم میوه ایست ... که در کلیسا ... بار آورده اند. اگر از طریق آیات کلام ... جذب کلیسا بشوند ... آنوقت تنها آیات کلام ... و روح القدس که درون خود دارند ... جوابگوی جوانب روحانی زندگیشان را خواهد داد ... نه کشیش یا خادمین. خادمین کلیسا نگهبانان مسیر تنگ و باریکی می باشند ... که هر فرزند خدا ... خودش باید راه برود ... "کلام تو برای پاهای من چراغ، و برای راه من نور است."(زمور ۱۱۹: ۱۰۵ هزاره).

معجزه دیگر ... در همان دم، پرده معبد از بالا تا پایین دو پاره شد. پرده معبد بخارط پرده پوشی ... و پنهان کاری بود. درسی بود که از مذهب دریافتیم ... "ما مثل موسی نیستیم که نقابی بر صورت خویش گذاشت تا قوم اسرائیل پایان آن شکوه زود گذر را نبینند. ذهنهای آنها کند شده و تا به امروز در موقع خواندن عهد عتیق این نقاب باقیمانده است و برداشته نمی شود، زیرا فقط به وسیله مسیح برداشته خواهد شد." (دوم قرنتیان ۳: ۱۳ و ۱۴ مژده). شک و ترس و خجالت ... در مکتب عیسی ... جائی نیاید داشته باشد... "اما به محض اینکه کسی به خداوند

روی آورد، آن نقاب برداشته می شود. و در اینجا مقصود از کلمه «خداوند»، روح القدس است و هرجا روح خداوند باشد، در آنجا آزادی هست. (دوم فرنتیان ۳: ۱۶ و ۱۷ مژده). جنبه عملی خدمات کلیسا ابتدا از میان بردن شک و ترس و خجالت اعضا آغاز می شود. خدا می گوید ... "نzd یکدیگر به گناهان خود اعتراف نمایید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید. دعای صمیمانه شخص عادل و نیک بسیار مؤثر است." (یعقوب ۵: ۱۶ مژده). اگر شک و ترس و خجالت در میان یکدیگر باشد ... چگونه امکان خواهد داشت!

برداشت اما کار ما نیست. باید بخواهیم، بکوبیم، و بجوئیم تا ... کلیسا توanائی لازم را بعنوان شاهد و هادی ... بdest آورد. جنبه عملی کلام خدا را می توان در مدت کوتاهی بdest آورده (۲). فکرش را بکنید ... اگر خادمین کلیسا توanائی حل مسائل و مشکلات مردم دنیا را در دست داشته باشند ... آنوقت چه خواهد شد؟ مردم هجوم به کلیسا می آورند. چه لازم خواهد شد؟ ابزار کار در دست کلیساست. قبلاً ... ابزار کار ... بستگی به حکمت و دانش کشیش و خادمین استوار داشت. کشیشی بهتر از کشیش دیگر شمرده می شد. عیسی روح القدس را آزاد نمود تا ... هر یک از فرزندان ... تجربه لازم خود را ... خودشان در کلیسا بdest آورند. چه فرصتی بهتر از این که خودمان ... درد خودمان را ببایبیم ... و با حمایت خادمین ... مسیر تنگ و باریک خود را ... با ایمان راه رویم... "و اکنون به خاطر آنان، خود را تقدیس می نمایم تا آنان نیز با راستی تقدیس گردند. همان طور که من متعلق به این جهان نیستم، ایشان هم نیستند. آنان را به وسیله راستی خود تقدیس نما، کلام تو راستی است." (یوحنا ۱۷: ۱۶ و ۱۷ مژده). منظور از کلام تو ... راستی است ... صحبت از آیاتی است که ... روح القدس نیاز به آزمایش دارد ... و میوه خود را در موسم خود (تقدیس) ثمر می آورد. آنچه روح القدس نصیب ما می کند تغییر است. تغییر انسان از جلال افتاده ... به انسان جلال خدا را یافته. شکل عیسی چیست ...؟ خصوصیات اخلاقی اوست ... که شامل ما می گردد ... و خواست خدا را در زندگی ما ... بجا می آورد.

**زمین لرزید و سنگها شکافته گردید.** زمین لرزه بزرگی ایجاد شده بود. نه تنها جائی که صلیب عیسی بود ... بلکه تمام منطقه به لرزه درآمد. گویا نه تنها آسمان ... بلکه زمین نیز مخالفت می کرد. مادر عهد قدیم شاهد عکس العمل های مختلف طبیعت بوده ... "بزودی بار دیگر آسمانها، زمین، دریا ها و خشکی را به لرزه می آورم." (حجی ۲: ۶ مژده). خدا آدم را آفرید تا باع خدا را گشترش دهد ... نه آنکه به لرزه در آورد.

مخالفین می گویند کدام آدم مرده ای را می شناسید که زنده شده ... !! می گوئیم بله ... خود ما ... ! ما قبلاً مرده بودیم چون عیسی را نمی شناختیم ... حال زنده شدیم چون عیسی را می شناسیم. آنچه درون انسان است ... اهمیت دارد ... نه آنچه در ظاهر او می بینیم. دنیا ظاهر را می بیند ... و اگر پسند کرد ... باطن را نیز می بیند. فیلم های سینمائي و هنرمندان معروف جامعه ... همه می خواهند ما را مثل آنان بگردانند. حتی بعضی نیز تصمیم می گیرند متکی به شخصیت خودشان باشند. اما عیسی می گوید ... شیاهت ویژه خود را برای هر یک از ما در نظر دارد. همان **کلام تو ... راستی است** را برای هر یک از ما می خواهد اجرا گردد. طبیعت

مردء ما را شفا داده و زنده می کند. البته شکی نیست که همه ما روزی خواهیم مرد ... اما تا زنده هستیم ... جلال خدا را ... برای خود می خواهیم.

- ۵۲: قبرها گشوده شد و بدنها بسیاری از مقدسین که آرمیده بودند، برخاستند.  
۵۳: آنها از قبرها به در آمدند و پس از رستاخیز عیسی، به شهر مقدس رفتند و خود را به شمار بسیاری از مردم نمایان ساختند.

قبرها گشوده شد و بدنها بسیاری از مقدسین که آرمیده بودند، برخاستند. مخالفین این قسمت را نیز زیر سوال می برند. چطور ممکن است قبرها گشوده شود و مردها زنده درآیند؟ انسان مرده را جسمانی می بینند. البته متى بطور شفاف این موضوع را بیان نکرده ... ولی آنچه گویاست ... مقدسین که آرمیده بودند، برخاستند. این مقدسین خود را از دیدگاه مردم مخفی کرده بودند ... آرمیده بودند. تنها پس از رستاخیز عیسی خود را به بسیاری نشان دادند. لوقا می گوید ... "ابراهیم در پاسخ فرمود: اگر به سخنان موسی و انبیا گوش ندهند، حتی اگر کسی هم پس از مرگ زنده شود، باز باور نخواهند کرد'" (لوقا ۱۶: ۳۱ مژده). ما همه قبل از مرده بودیم. زندگی ما مانند قبرهایی بود که برای خود می ساختیم. گناه ... ما را به جهنم می کشاند. اما وقتی نجات یافتیم ... خبر خوش عیسی در ما ... می جوشید ... و نمی توانستیم آن را در خود نگاه بداریم. وقتی به آنچه بر ما گذشت فکر می کنیم ... این آیات معنی خود را پیدا می کنند.

- ۵۴: چون فرمانده سربازان و نفراتش که مامور نگهبانی از عیسی بودند، زمین لرزه و همه این رویدادها را مشاهده کردند، سخت هراسان شده، گفتند:  
«براستی او پسر خدا بود».

معجزه دیگر در این میان سربازان **مامور نگهبانی از عیسی بودند**. این افراد سربازان رومی بودند و کشتن و زخمی کردن کارشان بود. دلشان برای آنکه می کشندند نمی سوخت. با این وجود ... گفتند: «**براستی او پسر خدا بود**». البته این رویدادها را مشاهده کردند ... و سخت هراسان شدند. اما می بینیم که سخت ترین دل ها ... امکان نجات را نیز دارند. یهودیان دلی سنگی داشتند ... ولی کافران ... نجات را یافتند. شیطان مذهب را چنان ساخت ... تا هر که به دام آن بی افتد ... خدا را نیابد. خدا به صلیب کشیده شد و آسمان تاریک شد و زمین تکان خورد ... و همه سخت هراسان شدند. اینجاست که یادآور می شویم ... "زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد؛ اما هر که به خاطر من جان خود را از دست بدده، آن را باز خواهد یافت." (متی ۱۶: ۲۵). این تقصیر است که انسان را هراسان می کند. ما که روح القدس را یافتیم می دانیم که اوست ... که ما را تقویت و حمایت می کند ... "نترس، من با تو هستم! من خدای تو هستم! از هیچ چیز ترسان مباش، من تو را تقویت می کنم و به تو کمک خواهم کرد. من از تو حمایت می کنم و تو را نجات خواهم داد." (اشعیا ۴۱: ۱۰ مژده). نجاتش چگونه است ...؟ با تجربه از کلامش. دانستن کلام باید تبدیل به تجربه شخصی بشود تا ...

نجاتش بدست آید. اینگونه است که روح القدس ما را **تقویت** و **حمایت می کند**. روح القدس تنها کلامش را می شناسد ... و هر گاه نیازی را افشا می کند ... تشنۀ کلامش است تا آن را آزمایش کرده ... نیاز را برآورده نماید.

۵۵: بسیاری از زنان نیز در آنجا حضور داشتند و از دور نظاره می کردند.  
آنان از جلیل از پی عیسی روانه شده بودند تا او را خدمت کنند.

۵۶: در میان آنها مریم مجذلیه و مریم مادر یعقوب و یوسف، و نیز مادر پسران زبدی بودند.

این زنان از جلیل تا اورشلیم ... دور روز راه ... عیسی را دنبال کردند. حتی زمانی که شاگردانش ناپدید شده بودند ... این زنان از پی عیسی روانه شده بودند تا او را خدمت کنند. غیرت زنان را هیچکس جرئت ندارد شک نماید. زنان جسم ضعیفتری از مردان دارند ... ولی غیرتشان ... بیشتر از مردان است. یک آیه ... مختص نام این زنان خدا داده شده ... **مریم مجذلیه و مریم مادر یعقوب و یوسف، و نیز مادر پسران زبدی**.

## متی ۲۷ (هزاره)

۵۷: هنگام غروب، مردی ثروتمند از اهالی رامه، یوسف نام،  
که خود شاگرد عیسی شده بود،

۵۸: نزد پیلاتس رفت و جسد عیسی را طلب کرد.  
پیلاتس دستور داد به وی بدنه.

۵۹: یوسف جسد را برداشت، در کتانی پاک پیچید

۶۰: و در مقبره ای تازه که برای خود در صخره تراشیده بود،  
نهاد و سنگی بزرگ جلو دهانه مقبره غلتانید و رفت.

۶۱: مریم مجذلیه و آن مریم دیگر در آنجا مقابل مقبره نشسته بودند.

۵۷: هنگام غروب، مردی ثروتمند از اهالی رامه، یوسف نام، که خود شاگرد عیسی شده بود،

۵۸: نزد پیلاتس رفت و جسد عیسی را طلب کرد. پیلاتس دستور داد به وی بدھند.

همان روز که بر صلیب شد **هنگام غروب** جانش را از دست داد. مجبور بودند همان شب او را دفن کنند ... چون فرداش روز سبت بود و امکان پذیر نبود. همه از کنارش رفته بودند ... و همه چیز بنظر می‌رسید... پایان یافته است. این هیاهو هم آمد و رفت ... اما ... مردی ثروتمند از اهالی رامه، یوسف نام ... وارد صحنهٔ خدا می‌گردد ... و **جسد عیسی را طلب کرد**. چرا ...؟ چون خود شاگرد عیسی شده بود. معمولاً اجساد اعدام شدگان را کسی مطالبه نمی‌کرد. تازه اگر شاگرد بود ... شاگرد روحانی او بود ... "عیسی جواب داد: «به دنبال من بیا و بگذار مردگان، مردگان خود را دفن کنند.»" (متی ۸: ۲۲ مژده). با وجود دریافت آنچه جاودانی است ... جسم مرده او برایش اهمیت داشت. روح القدس باعث حیات انسان است ... و مانند باد می‌زد ... و گهگاهی نیز به دل می‌نشیند ... "باد هر کجا که بخواهد می‌زد؛ صدای آن را می‌شنوی، اما نمی‌دانی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. چنین است هر کس نیز که از روح زاده شود." (یوحنا ۳: ۸ هزاره). بله روح القدس بود که باعث شد جسد عیسی را برای خود مطالبه کند. خیر ... آنگونه که شیطان می‌خواست ... همه چیز پایان نیافته بود.

۵۹: یوسف جسد را برداشته، در کتانی پاک پیچید

۶۰: و در مقبره ای تازه که برای خود در صخره تراشیده بود، نهاد و سنگی

بزرگ جلو دهانه مقبره غلتانید و رفت.

۶۱: مریم مجدیه و آن مریم دیگر در آنجا مقابل مقبره نشسته بودند.

می‌گوید جسد عیسی را در **كتانی پاک پیچید**. محبت روح القدس را در او می‌بینیم. خدا اینگونه کار می‌کند. با حفظ جسد او ... وجودش را در خود زنده نگه می‌دارد. تازه ... **مقبره ای تازه که برای خود در صخره تراشیده بود** را به عیسی داد. ما اگر بجای او بودیم ... این کار را می‌کردیم ...؟ البته. روح القدس همه جا هست ... ولی ما که او را در وجودمان داریم ... همانگونه هستیم که عیسی می‌خواهد. ما نیز مانند **مریم مجدیه** و آن **مریم دیگر** در آنجا مقابل مقبره نشسته بودیم.

نکته قابل توجه **صخره تراشیده بود** ... و **سنگی بزرگ جلو دهانه مقبره غلتانید**. حال مخالفین بما بگویند چطور هوادارانش وارد مقبره شدند و جسد او را ربوتد. تونل زدند ... درون صخره! باور نمی‌توان کرد ولی بسیاری چنین فلسفه ای دارند. سلیمان با الهام از روح القدس می‌گوید ... "عشق مرا مثل خاتم در دلت مهر کن و همچون بازویند طلا بر بازویت ببند، زیرا عشق مانند مرگ نیرومند و مثل گور ترسناک است و شعله هایش همانند شعله های پر قدرت

آتش با بی رحمی می سوزاند. آبها نمی توانند آتش محبت را خاموش سازند. حتی سیلا بها قادر نیستند که آن را فرونشانند. هرگاه کسی بخواهد که عشق را با دارایی و ثروت خود به دست آورد، آن را خوار و حقیر می شمارد." (غزلها ۸: ۶ و ۷ مژده).



## متی ۲۷ (هزاره)

۶۲: روز بعد، که پس از 'روز تهیه' بود، سران کاهنان و فریسیان نزد پیلاتس گرد آمده، گفتند:  
۶۳: «سرورا! به یاد داریم که آن گمراه کننده وقتی زنده بود، می گفت، "پس از سه روز بر خواهم خاست".  
۶۴: پس فرمان بده مقبره را تاروز سوم نگهبانی کنند، مبادا شاگردان او آمده، جسد را بذند و به مردم بگویند که او از مردگان برخاسته است، که در آن صورت، این فریب آخر از فریب اول بدتر خواهد بود».

۶۵: پیلاتس پاسخ داد:  
«شما خود نگهبانان دارید.  
بروید و آن را چنانکه صلاح می دانید، حفاظت کنید.  
۶۶: «پس رفتند و سنگ مقبره را مهر و موم کردند و نگهبانانی در آنجا گماشتند تا از مقبره حفاظت کنند.

۶۲: روز بعد، که پس از 'روز تهیه' بود، سران کاهنان و فریسیان نزد پیلاتس گرد آمده، گفتند:  
۶۳: «سرورا! به یاد داریم که آن گمراه کننده وقتی زنده بود، می گفت، "پس از سه روز بر خواهم خاست".

**'روز تهیه'** روز خاکسپاری مردگان بود. روز بعد از آن ... روز سبت بود ... و مذهبیون آن را روز استراحت و بی کاری می شمردند. اما دوباره سران کاهنان و فریسیان را می بینیم وحشت زده دست به دامن پیلاتوس می شوند... سرورا! ... سرورا! ... به یاد داریم که آن گمراه کننده وقتی زنده بود، می گفت، "پس از سه روز بر خواهم خاست". از جسد مرده او نیز وحشت می برند.

حال چرا پس از سه روز ...؟ چون در پیدایش می خوانیم که حیات ... روز سوم وارد خاک زمین گردید ... "زمین نباتات رویانید، گیاهانی که بر حسب گونه خود دانه تولید می کرند، و درختانی که بر حسب گونه خود میوه دار می آورند. و خدا دید که نیکوست. شامگاه شد و بامداد آمد، روز سوم."(پیدایش ۱: ۱۲ و ۱۳ هزاره).

به پیلاتوس می گویند **سرور** ... و به عیسی می گویند **آن گمراه کننده**. شیطان را در مذهب مشاهده می کنیم. شیطان از طریق مذهب ... خدا را از انسان پنهان نگاه داشته ... تا لعنت را برانگیخته ... و حیات را به جان هم بی اندازد. آنچه دنیا از خدا می شناسد ... از مذهب است. پس مشکلی که ما مسیحیان در بشارت به عیسی داریم ... ابتدا ... حذف آنچه تا بحال از خدا شنیده اند می باشد. مانع خدا ... آنچه مربوط به او در دنیا رایج می باشد ... است. تازمانی که حقیقت جای آن را نتواند بگیرد ... ناکام خواهد ماند. و می بینیم که حقیقت جای خود را در دنیا نگرفته. عیسی ممکن است در ما موفق بوده ... ولی در دنیا ... خیر...! چرا ...؟ چون عیسی موجودی بهشتی است ... و باید تجربه گردد ... تا موفق گردد. و دیده ایم که تجربه باید همراه دو یا سه ایماندار دیگر بدست آید. پس نتیجه می گیریم که کلیسا عیسی است که در دنیا ناموفق بوده. کیست که نخواهد از خدا بهره بگیرد. بیاد داشته باشیم که خدا می فرماید ... "ای جان من، خداوند را متبارک بخوان و هیچ یک از همه احسانهایش را فراموش مکن!" (زمور ۱۰: ۲ هزاره). فکرش را بکنید ... کلیسائی پیدا شود که اعلام کند دوای درد همه مردم دنیا را دارد. هر که درد و مسئله ای در زندگی دارد ... به این کلیسا رجوع کند ... و خدا هر چه باشد را برایش حل خواهد ساخت. کلیسای ما حرف نمی زند ... عمل می کند. هر خادمی که شناخت جنبه عملی کلام خدا را دارد ... می تواند هر هفته ۴ نفر را در راه آزمایش آیات... راهنمائی کند. آزمایش آیات مربوط به هر یک است ... که **احسانهایش** را می پروراند.

دنیا فکر می کند خادمین کلیسا هستند که می دانند چکار باید کرد. در نتیجه **مسئله اعتبار خادمین** به میان می آید. می گویند از کجا بدانیم این خادمین می دانند ... چکار باید بکنند ...؟ قبلاً ... هر که داناتر ... تجربه دار تر ... و معروف تر بود ... امکان اعتبار لازم را داشت. اما ... غافل از آنکه روح القدس آنچه مربوط به او بود را برای او ... فرابهم آوره بود. هر چه برای او بود ... مربوط به او بود. جواب روحانی خدا ... مختص و ویژه ... هر یک از فرزندانش می باشد. هر یک خواست ویژه خود را در خدا دارند. قرار نیست ما شبیه خادمین کلیسا بشویم. پس چکار باید کرد ...؟ هر نیازی که انسان به خدا دارد ... آیات مربوط به نیازش در کلامش هست. آیه یاب جوابگو این موارد است. اما هر آیه باید قسمت بندی بشود تا محتوای آن آشکار بگردد. مثلی در اینجا لازم می باشد(ضمیمه ۲). همچنین .... زمینه کار روح القدس باید فرابهم شود (ضمیمه ۱) ... تا برداشت ... متکی به روح القدسی باشد که درون اوست. خادمین ... دو یا سه نفر ... آخر هر هفته جواب سوالات و برداشت ها را در محدوده تنگ و باریک(۱) ... بررسی می کنند و طبق برداشتی که شده ... آیات دیگر را ارائه می دهند. اشتباهاتی که برداشت شده را با آیات کلام نشان می دهند ... نه با برداشتی که خود از آن داشته اند. منظور اینست که کلیسا ... راه رفع مسائل و مشکلات زندگی را می شناسد ... و تنها نیاز به خادمینی دارد که با جنبه عملی کلام خدا آشنا باشند. معمولاً ... ۴ یا ۵ هفته بیش لازم نیست ... تا فرزند خدا جوابش

را از روح القدس دریافت کند. روح القدس تشنۀ کلامش می باشد ... و اگر بگونه ای که کلامش گفته ... عمل نمائیم ... نیازش را زود برآورده خواهد نمود. نیاز هارا ... خود روح القدس به فرزند خدا افشا می نماید. اما در همان وقت که افشا شد ... باید به کلیسا رجوع کرد ... اگر نه ... زندگی ادامه دارد و به فراموشی سپرده خواهد شد ... "شخص تقبل به موقع زمین خود را شخ نمی زند، بنابراین هنگام برداشت محصول هرچه می گردد، چیزی نمی یابد." (امثال ۲۰: ۴ مژده). به موقع زمین خود را شخ نمی زند چیست ...؟ یعنی خواست خدا را نادیده گرفته. چگونه ...؟ روح القدس درون ماست که ... نیاز - مرح - حل مسئله - راه حل ... هر چه نیاز دارد ... او بما افشا می نماید. به همین خاطر داده شده. اما باید در کلیسا انجام بگیرد تا مورد تایید کلیسا و عیسی مسیح واقع بگردد.

وقتی صحبت از کلیسا می کنیم ... صحبت از وجود دو یا سه نفر ... حد عقل ... و اجد شرایط کار می کنیم. حال بگذریم که این خادمین خودشان نیز ... دو یا سه نفر ... حد عقل ... باید بوده باشند ... تا تایید عیسی را بدست آورند. اما فیض عیسی برای ما کافیست. مانه تنها می خواهیم، می کوییم، و می جوئیم ... بلکه راه حل تمام مسائل بشر را پیدا کرده ایم. راه حل در ما نیست. حل مسائل ... در آیاتی است که روح القدس در هر یک از فرزندانش لازم دارد آزمایش کند. نباید فراموش کنیم ... و نه ... به بعد موکول کنیم. به موقع یعنی زمانی که افشا گردید. چرا ...؟ چون در دنیای از جلال افتاده زندگی می کنیم. همچنین ... زمانیست که به آنچه افشا کرده پرداخته ایم ... و زمانیست که انگیزه لازم را برای برداشت داریم. وقتی خدا می گوید روح القدس را محزون نکنید دارد همین را به ما می گوید. اینگونه نیست که نیاز داریم را در دعا به خدا بسپاریم و منظر بمانیم تا ... اگر خدا بخواهد آن را به ما بدهد. چرا ...؟ چون عیسی جانش را برای همین داد. درست ... ولی چون بدست آوردن کار مانیست. کار کلیساست! چرا اعلان نمی شود هر که مسئله ای دارد به ما رجوع کند؟ چون امکانش را ندارند. امکانش را ندارند چون ... کسی از آنها خواسته، نکوییده و نجوئیده. فکر می کنند نیاز به اطلاعات فرا زمینی دارد. خیر اینطور نیست ... همان گونه که هر یک ایمان آوردیم ... همان گونه نیز تقdis می شویم. متکی به افکار و عقاید کسی نیستیم. اگر روح القدس در ماست ... اوست که نیاز را افشا نموده ... و همان که افشا شد ... وقت ملاقات با کلیسا را برای خود محفوظ می کنیم. به موقع یعنی این.

۶۴: پس فرمان بده مقبره را تا روز سوم نگهبانی کنند، مبادا شاگردان او آمده، جسد را بذند و به مردم بگویند که او از مردگان برخاسته است، که در آن صورت، این فریب آخر از فریب اول بدتر خواهد بود».

۶۵: پیلاتس پاسخ داد: «شما خود نگهبانان دارید. بروید و آن را چنانکه صلاح می دانید، حفظت کنید.

۶۶: «پس رفتد و سنگ مقبره را مهر و موم کردند و نگهبانانی در آنجا گماشتند تا از مقبره حفظت کنند.

مبارا شاگردان او آمده، جسد را بذند ... ! اولاً که همه شاگردان زمانی که زنده بود از ترس پراکنده شده بودند.. چه رسد حال که مرده بود. و دیگر اینکه از کجا معلوم است از مردگان برخاست نماید. گفته بود ... ولی هنوز انجام نشده بود. پیلاتس هم موافقت کرد ... شما خود نگهبانان دارید. پیلاتس شاگر عیسی نبود ... اما ... شاگرد مذهبیون هم نبود. در نتیجه دستخوش پریشانی آنها نیز نشد ... و اینجا دوباره شاهد آزادی انسان از یوغ مذهب می باشیم ... چنانکه صلاح می دانید، حافظت کنید. شاید با فرمانده خود راجع به آنچه گفته بود ... «براستی او پسر خدا بود» صحبت کرده بود.

پس رفتند و سنگ مقبره را مهر و موم کردند. مهر فریسیان واجد شرایط لازم بود. هیچکس جرات شکستن آن را نداشت. از او تنها نگهبان خواسته بودند ... ولی حالا که می گوید ... چنانکه صلاح می دانید ... بیانید مهر و موم نیز بکنیم. بنظر می رسید مذهبیون نیز انتظار "پس از سه روز بر خواهم خاست" را نیز داشتند.

## فهرست زیر نویس های فصل بیست و هفتم

(۱) محدوده تنگ و باریک کلام .... با خواندن کتاب ..... "مکتب روحانی مشاوره مسیحی"  
بدست می آید:

<http://www.moshaveremasihi.com/Ketab-Ha.html>

(۲) تدریس مشاوره مسیحی : <http://www.moshaveremasihi.com/Teach.html>

### ضمیمه ۱

#### زمینه سازی ---- کار روح القدس

اشعیا ۴۰: ۳۳ مژده

صدایی ندا کرده می گوید:

راهی برای خداوند در بیابان باز کنید!

و شاهراهی برای خدای ما در کویر آماده سازید!

۱. باید قبول کرده باشد که روح القدس خود خداست.
۲. باید قبول کرده باشد که روح القدس در او ساکن است.
۳. باید قبول کرده باشد که وقتی روح القدس کلامش را در او شنید. آن باعث ایمان او گردید.
۴. باید قبول کرده باشد که روح قدوس + کلام قدوس = قدوسیت او را بجا می آورد(بهشتی).
۵. باید قبول کرده باشد که روح القدس در او، جواب را به او خواهد داد.
۶. باید قبول کرده باشد که جلال به خدا، جلال را به او نیز می دهد، چون در او ساکن است.

این ۶ مورد باید قبل از مشاوره ... و همچنین در میان دوره مشاوره

مورد بررسی و درک فرزند قرار گرفته باشد

فرزند است که باید دریافت کند

## برداشت های خود را بگونه زیر یادداشت کنید

### یوحنا ۱۷

۱۷: آنان را در حقیقت ۱ ... حقیقت را چگونه می توان شناخت؟

تقدس کن؛ ۲ .... تقدس یعنی چه؟

کلام تو حقیقت است ۳ .... کلام چگونه به تقدس می انجامد؟

۴. آیه را به زبان خود کوتاه تفسیر کنید.

۵. این آیه چه ربطی با شما دارد؟

۶. چه موضوعی ربط به شما دارد؟

### یوحنا ۱۷: ۱۷

۱. حقیقت تنها در کلام خدادست. اما برداشت از کلام برای همه یکی نیست. روح القدس درون هر ایماندار است که باید جوابگو باشد، و تا زمانی که دریافت نشده نباید دست کشید. X ۷۰ ما را اینگونه نیز هدایت می کند.

۲. خدا خودش می فرماید من قدوس، قدوس، قدوس، و در نتیجه ما باید تقدیس، تقدیس، تقدیس بشویم. اما راه تقدیس شدن به ما سپرده نشده. ما دروازه بان خدا نیستیم. اگر مطابق با آنچه خدا در کلامش گفته پیش برویم، و از فرایض و مکاتب انسانی خود را بدور بداریم، آنوقت میتوانیم اطمینان داشته باشیم که خواست خدا را انجام داده ایم. اما این کار معمولاً نیاز به کمک و پیگیری خدمین دارد.

۳. مزمور ۱۱۹: ۱۰۵ کلام تو برای پایهای من چراغ، و برای راههای من نور است. راه همان لحظات زندگی روزانه است. پس کلام است که هر لحظه راه را نشان می دهد. اما برداشت از کلام را باید به دست روح القدس که درون ایماندار است بسپاریم.

۴. این دعای عیسی مسیح است برای کسانی که ایمان می آورند. می خواهد پدر آنها را مانند خودش قدوس نماید. و کلام را پایه و اساس حقیقت می نامد.

۵. البته که ربط با من دارد. کیست که نخواهد از طریق خدا تقدیس بشود. اگر کسی باشد که بتواند مرا در این راه کمک کند، بسیار متشکر می شوم.

۶. موضوع من رابطه جنسیه. من به جانبی کشیده شده ام که اصلاً دوست ندارم، ولی نمی دانم چطور از دستش رها شوم.

اینگونه است که روح القدس در هر ایماندار به چالش کشیده می شود،  
و نهایتاً (دیر یا زود) مسائل شخصی خودشان را بازگو خواهند کرد.  
اما هر موردی آیات مربوط به خود را دارد،  
و تمامی آیات  
باید در نظر گرفته شوند.